



## مخاطراتی که "جنبش مقاومت کوبانی" را تهدید میکند

محمد فتاحی

برای شناخت از مخاطرات آینده در مقابل کوبانی یک شناخت واقعی از این جنبش لازم است.

در ارزیابی از جنبش مقاومت در کوبانی و دوستان و دشمنان این جنبش نگرش های مختلفی در جریان است. درک های متفاوت از این جنبش، منافع سیاسی طبقاتی و زاویه نگاه به وقایع دنیای امروز منشأ نگرش های متفاوت در این مسئله اند.

ضمن در نظر گرفتن جایگاه فاکتورهای مختلف در خلق پدیده ای به نام "جنبش مقاومت کوبانی"، درک این مسئله مهم است که این جنبش مخلوق شرایط سیاسی جهان در مقطع تجدید تقسیم مجدد سیاسی جغرافیایی آن بین قطب های امپریالیستی امروز است. از این زاویه، هدف این نوشته بیرون آوردن واقعیت از زیر خرواری تحلیل و ادعا و احکام من درآوردی راست و چپ و ژورنالیسم و میدیای جنگی جهان امروز است.



در این شماره  
میخوانید:

• اتحادیه کارگران  
ساختمانی از تشکیل تا  
فعالتهای آن

گفتگو با استاد حسین

صفحه ۱۱

• گفتگو با علی زیدونی

در باره انجمن  
کارگران مهاجر در  
کردستان عراق

صفحه ۱۶

## جنگ داعش و نیروی دفاع توده ای

## گفتگو با فعالین نیروی مستقل توده ای برای دفاع در

## خانقین

مقدمه:

ما (مظفر محمدی و محمد راستی) با تعدادی از دوستانی که در شهر خانقین و منطقه مشغول بسیج و سازماندهی مردم برای مقابله با جریان اسلامی موسوم به داعش هستند، در این شهر دیدار و گفتگویی داشتیم. بخشهایی از این گفتگو کتبی شده و بصورت زیر منتشر می گردد.

دوستانی که این گفتگو با آنها انجام شد عبارتند از: سلام عبدالله، ایاد علی، محمود بستانچی و خالد باجلان این رفقا به بسیج و سازماندهی نیروی مردم، مستقل از نیروهای احزاب حاکم و دولت مرکزی برای دفاع از خود برخاسته اند. این یک حرکت اجتماعی و توده ای و اراده مستقیم مردم است که شاید تنها حرکت مستقل مردم در این دوره در کردستان عراق و منطقه و یک الگوی خوب و موثر برای تکثیر شدن است.

نمونه های تسلیح توده ای در عراق و کردستان عراق و سوریه در این دوره جنگ علیه داعش، کم نیست. مردم کوبانی از زن و مردم و پیر و جوان مسلح اند و ماه ها است از شهر و مسکن و زندگی شان در مقابل حملات داعش دفاع می کنند. این یکی از بهترین نمونه های اراده ی مستقیم مردم است. حرکتی توده ای و

صفحه ۵

“ نینا را بخوانید  
و به  
دیگران توصیه  
کنید ”

آزادی برابری حکومت کارگری

## مخاطراتی که "جنبش مقاومت کوبانی"...

در متن نگرش مسلط بر این نوشته نه مسعود بارزانی خائن به جنبش ملی کرد است، نه هدف درخود ترکیه هم دشمنی با "کرد" است، نه نقشه امریکا برای یک جنگ سی ساله با داعش برای ریشه کن کردن داعش است، نه "کمک" نظامی امریکا و کاروان پیشمرگان برای تقویت مقاومت در کوبانی است. همانطوریکه نه کشمکش در اوکراین بر سر حق و حقوق جدایی طلبان، نه سناریوی سیاه در سوریه علیه استبداد بشار اسد و ادامه پروژه "برچیدن دیکتاتورها"، نه مناقشه اتمی با ایران علیه دست یابی ایران به بمب، و نه نقشه نیروهای ائتلاف از دهها کشور جهان برای برچیدن داعش و علیه ترور است. همانطوریکه دعوی غرب با شرق و شوروی بر سر دمکراسی و حقوق بشر نبود، جنگ علیه عراق برای یافتن سلاح های کشتار جمعی صدام حسین نبود، اعدام قذافی برای رهایی لیبی نبود، و همانطوریکه سازماندهی "قیام انقلابی" فاشیست ها در اوکراین کنار گذاشتن رئیس جمهور مستبد نبود...

حالا، خارج از ادعاهای ملون، "جنبش مقاومت کوبانی" چگونه شکل گرفت؟

به دنبال غافلگیر شدن غرب در مقابل انقلاب مصر، قدرت های "دنیای آزاد" با یک برنامه نقشه مند سراغ دخالت در اعتراضات کشورهای شمال افریقا و خاورمیانه رفتند. اولین نقطه دخالت نقشه مندشان مصادره حرکت اعتراضی در لیبی از طریق جریانات سیاسی غربگرا در آن کشور بود. تسلیح گروههای اسلامی و قومی در این کشور و حمایت بمباران های هوایی مسیر از قبل تعیین شده برای برچیدن حکومت قذافی بود. نتیجه این نقشه سرنگونی دولت قذافی و تحویل قدرت به باندهای دست ساز غرب و امروزه سرگردانی سیاسی و قلدری همین جریانات مذهبی و قومی در آن کشور است. امروزه رفاه موجود در لیبی دوره قذافی به صفر رسیده و حاکمیت باندهای مختلف قومی و عشیرتی و مذهبی زندگی در این کشور را دهها سال عقب برده است.

اغلب کشورهای شمال افریقا و خاورمیانه تقسیمات کشوری خط کشی شده دوران استعماری را بر خود دارند. تاریخ سیاسی اجتماعی این جوامع بسیار مشابه و به همین دلیل گسترش دامنه اعتراضات در کشورهای هم جوار یک پروسه طبیعی در این منطقه است. به دنبال لیبی نوبت شروع اعتراضات در سوریه رسید. غرب با استفاده از تجربه لیبی سراغ این کشور رفت و از مقطع شروع اعتراضات به تسلیح نیروهای اپوزیسیون دولت بشار اسد پرداخت که اساسا اسلامیون بودند. به این ترتیب اعتراض شهری مردم به عرصه جنگ مسلحانه

بین اسلامی ها و دولت تبدیل شد. گسترش جنگ مسلحانه بین طرفین، شهرهای سوریه را یکی پس از دیگری عرصه کشتار و ویرانی و آوارگی کرد. موقعیت دولت سوریه در قطب چین، روسیه و جمهوری اسلامی، دول غربی و ناتو را به گسترش سریع جنگ در هر جای ممکن در این کشور به تعجیل انداخت. در فاصله از لیبی تا سوریه قطب امپریالیستی روسیه و چین متوجه عقب افتادن خود از رقبای قطب مقابل برای تقسیم مجدد دنیا شدند. اینها که در مقابل قطب غربی خود را بازنده در لیبی می دیدند، به ضرورت دخالت فوری در سوریه پرداختند و از طریق جمهوری اسلامی متحد سوریه وارد بازی با سرنوشت مردم این کشور شدند. از این مقطع غرب زیر رهبری امریکا پشت ارتش آزاد سوریه، و چین و روسیه و جمهوری اسلامی پشت دولت بشار اسد طرف های اصلی جنگ در این کشور شدند. با گسترش جنگ و خطر سرنگونی رژیم مرکزی، دولت سوریه و جمهوری اسلامی و بقیه متحدین را به تاکتیک تقسیم مناطق برای در پیش گرفتن سیاست های متناسب در مسیر مقاومت کشاند.

معامله با حزب اتحاد دمکراتیک(شاخه پ ک ک در کردستان سوریه) و تحویل اداره مناطق کردنشین به آن جزو این تاکتیک ها بود. طبق پیمان فی مابین قرار شد این حزب اداره آن مناطق را در اختیار بگیرد و در مقابل از پیشروی نیروهای مزدور ناتو و ارتش آزاد سوریه در آن مناطق ممانعت کند. اتخاذ چنین سیاستی توسط دولتی که قبلا حق داشتن شناسنامه برای بخشی از این شهروندان را قایل نبود، فقط یک تاکتیک جنگی برای جلب نیروهایی بود که تاریخا ظرفیت کنار آمدن با دولت مرکزی را داشتند.

حزب اتحاد دمکراتیک در کردستان سوریه طبق این سیاست اداره مناطق کردنشین را بدست گرفت و برای مقابله با حملات کاملاً پیش بینی شده و حتمی متحدین ناتو به این مناطق، سیاست تسلیح عمومی و آموزش نظامی همگانی برای دفاع از این مناطق را اولویت درجه یک، و به کمک پ ک ک و بقیه متحدینش در سوریه، از روز اول بدست گرفتن امور اداری آنرا عملی کرد. منطقه ای که قرار بود مسیری غیر از

جهت غرب را در پیش بگیرد، بطور قطع می بایست منتظر حمله غرب به خود باشد. در مقابل چنین خطر ویران کننده ای از طرف وحوش تا دندان مسلح به مدرن ترین سلاح های ناتو و کل "جهان آزاد"، تسلیح عمومی نمیتوانست سیاست هیچ استراتژیست پخته ای هم نباشد. رهبران پ ک ک و حزب اتحاد دمکراتیک خوشبختانه چنین سیاستی را به روشنی و بدون ابهام عملی کردند.

سیاست پ ک ک در کشورهای مختلف منطقه، و ماهیت سیاسی ایدئولوژیک آن هر چه باشد، اتخاذ این سیاست در سوریه بهترین، عاقلانه ترین و سفیدترین نقش در دل سناریوی سیاه در این کشور بود. محصول این سیاست اداره جامعه توسط مردم سازماندهی شده و دفاع از هست و نیست شان در مقابل وحوش غرب با اتکا به اراده و نیروی مسلح همگانی مردم است. در آن مقطع یک سیاست به نظر من درست حزب اتحاد دمکراتیک، ممانعت از تسلیح نیروهای

کارگران جهان متحد شوید

## مخاطراتی که "جنبش مقاومت کوبانی"...

احزاب و گروه‌های ناسیونالیست دیگر کردستان سوریه در آن مقطع بود. اینها هوادار ناتو، متحد مسعود بارزانی و ترکیه و در نتیجه هوادار شرکت در سناریوی سیاه سوریه و نقشه کشیدن جنگ به کردستان سوریه و تقویت جنایتکاران "ارتش آزاد سوریه" در آن منطقه را داشتند. ممنوعیت فعالیت مسلحانه اینها، اگرچه در توافق با دولت سوریه، عاقلانه ترین "دیکتاتوری" توسط حزب اتحاد دموکراتیک و پ ک ک بود.

محصول اول این سیاست اما سازماندهی یک مقاومت قهرمانانه متکی بر اراده عمومی در مقابل وحوش غرب بود و خوشبختانه کماکان هست. در حالیکه ارتش پوشالی عراق در مقابل آنها می باز و نیروی پیشمرگ کردستان عراق مناطق وسیعی و منجمله شنگال را در یک معامله جنایتکارانه تحویل داعش داد و به نسل کشی مردمان آن شهر و به کنیز گرفتن هزاران زن در آن شهر و منطقه کمک مستقیم کرد، قهرمانان جنگ در کوبانی پوزه این وحوش دنیای آزاد را به خاک مالیدند و تا این لحظه تسخیر این شهر را برای شان به آرزویی غیرممکن تبدیل کرده اند. نه فقط این، بلکه به همه مردمان منطقه این درس را دادند که در پیش گیری سیاست سفید در دل یک سناریوی سیاه، میتواند منشا یک حرکت عظیم و مثبت حتی توسط احزاب بورژوازی مسئول در مقابل سرنوشت جامعه باشد و صحنه های متفاوتی از زندگی و مقاومت خلق کند.

### اما موضع کمونیست ها؛

حقانیت این جنگ و مقاومت با حمایت پرشور جهانی روبرو شده و امروز کمونیست ها و چپ ها و آنارشیست ها و آزادیخواهانی که از کشورهای مختلف دوش به دوش زنان و مردان کوبانی می جنگند، برای همه تحسین برانگیز اند. مقاومت کوبانی و کردستان سوریه، در بعد کوچکی، شباهت کاملی دارد با جنگ مقاومت در کشورهای متعدد اروپایی برای مقابله با کشتار و آوارگی میلیونی و نسل کشی و کوره های آدم سوزی نازی های آلمان هیتلری در جنگ جهانی دوم. اما همانطوریکه مقاومت در مقابل هیتلر به جز مقاومت در برابر ارتش نازی آلمان و دفاع از حق حیات در شرایط موجود در آن روز دنیا نبود، جنگ مقاومت علیه وحوش غرب در کوبانی و کردستان سوریه هم از نظر سیاسی از همان جنس است؛ جنبشی و مقاومتی از هر نظر قابل حمایت بی قید و شرط برای دفاع از زندگی و مدنیت و جامعه در مقابل وحوشی از فاشیست ها و نازی های آن دوران. درس های کوبانی بسیار و در این نوشته مورد بحث نیست. اما توسط تعداد قابل توجهی از کمونیست ها و چپ ها، مضمون سیاسی حرکت کوبانی تغییر ماهیت داده میشود. مقایسه با انقلابات کارگری، وصل کردن آن به سنت مبارزه کمونیستی و ندیدن نقش ناسیونالیست

های کرد در رهبری و سازماندهی و خلق آن یکی از این ادعاهاست.

کوبانی یک جنبش مقاومت در مقابل حمله فاشیست های اسلامی است. دقیقاً عین جنبش مقاومت در کردستان ایران در مقطع شروع فرمان خمینی و بنی صدر. با این تفاوت که جنگ در کردستان ایران سال ۱۹۸۰ میلادی ادامه انقلاب ایران ۱۹۷۸ بود. اهداف سیاسی بسیار بالاتری از اهداف کوبانی فعلی بود. هدف مستقیم هیچکدام از این دو جنبش برای آزادی و برابری نبود، همچنانکه برای رهایی انسان نبود، و برای تغییرات پایه ای در جامعه طبقاتی نبود. درست همانطوریکه جنگ ضدفاشیستی دوران جنگ جهانی دوم نبود. همه این جنبش ها شایسته حمایت های بی قید و شرط و تا پیروزی اند. اما معرفی این جنبش ها به طبقه کارگر به عنوان جنبش هایی برای رهایی انسان از جهنم موجود، اولاً جنبش های بورژوازی را به عنوان کارگری معرفی میکند و از این طریق تلویحاً به کارگر و کمونیست میگوید که همین جنبش ابزار سوسیالیسم و رهایی انسان است. نتیجتاً کارگر نیازی به سازماندهی جنبش مستقل خود ندارد؛ کافی است برود و قاطی شود تا پیروزی میسر گردد.

برخورد ایدئولوژیک و غیر سیاسی به احزاب ناسیونالیست و مصادره نقش آنها به نفع کمونیست ها روی دیگر این برخورد است. گفته میشود سازماندهی این جنبش از جنس سنت کمونیستی است، چون ناسیونالیسم کرد این کاره نیست و با قدرت اراده توده مردم دشمنی دارد. چنین ادعایی، خارج از هرگونه ارزیابی از نقش ناسیونالیست ها، غیرمنصفانه و عاری از حقیقت است. حقیقت اول این است که کمونیسم در کوبانی و کردستان سوریه هیچ حضور متشکل و آگاه ندارد. حقیقت دوم این است که در این جنبش هیچ اثری از سنت حتی خام کمونیستی وجود ندارد. حقیقت سوم این است که ناسیونالیسم در کشورهای مختلف دنیا تا جایی که به منافع طبقاتی خود برمیگردد توان و قدرت مردم را در سطح بالایی سازمان داده است. ناسیونالیسم روس در دوره استالین یکی از قدرتمندترین دولت های تاریخ را سازمان داد. ناسیونالیسم هیتلر توده کارگر و زحمتکش را در خدمت قدرت خویش به بهترین وجهی سازمان داد. ناسیونالیسم کرد و هر نیروی سیاسی دیگری در شرایط سوریه و در زمانی که تمام وحوش ناتو و امریکا تهدیدشان می کرد، به جز مراجعه به نیروی مردم و سازماندهی قدرت آنها هیچ راهی نداشتند. اعمال حاکمیت در کوبانی هم حاکمیت طبقه سرمایه دار کرد است که کل جامعه را برای حفظ آن به میدان کشانده است. حقیقت چهارم این است که این جنبش از پایه ای ترین خشت های زیرین آن کار جناحی از ناسیونالیسم کرد در سوریه است. همه میدانند که ناسیونالیسم کرد سیاه ترین پرونده های سیاسی را در پرونده دارد. از معامله با کارد "کورد" برای کرسی تا کشتار و ترور مخالفین به سبک همه نیروهای بورژوازی جهان امروز تا کرایه

دادن نیرو به دولت های سرکوبگر مردم کردستان. اما اولاً ناسیونالیسم کرد مثل همه سنت های سیاسی دیگر جنبش و احزاب سیاسی مختلفی از خود بیرون داده است. بعضی از اینها استاد معاملات روزگارند ولی وسیله محکومیت دیگری از آنان ساختن درست نیست. بعلاوه نمیشود هر حزبی را خارج از شرایط سیاسی زنده بررسی کرد. پ ک ک برای تمام فعالیت های نیم قرن گذشته محکوم تاریخ باشد، شاخه سوریه آن در این مقطع سیاستی اتخاذ کرده و زمینه های شکل گیری جنبشی را فراهم کرده که بدون کمترین تردیدی شایسته حمایت هر کمونیست و آزاده ای است. نکته ای که لازم به ذکر است، نوع این حمایت است. کمونیست ها از مبارزه فلسطینی ها برای رسیدن به یک دولت و کشور مستقل دفاع میکنند بدون اینکه از سازمان های حماس و فتح و بقیه حمایت کنند. این مسئله در کوبانی هم صدق میکند؛ حمایت بی قیدوشرط از مقاومت قهرمانانه کوبانی و کردستان سوریه بدون اینکه حزب اتحاد دموکراتیک و پ ک ک مستقیماً مورد حمایت قرار گیرند. حمایت از یک سیاست یک حزب و سازمان سیاسی با حمایت از خود آن سازمان مسئله کاملاً متفاوتی اند. التقاط در نوع حمایت و توهم به ماهیت سیاسی این احزاب، موجبات تقویت ناسیونالیسم در درون چپ را فراهم میکند که کرده است.

در حاشیه، بحث از واسطه گری احتمالی جمهوری اسلامی و با تجربه این رژیم در برخورد به اپوزیسیون و انتقال آن به رژیم بشار اسد و دست پنهان کسانی مانند قاسم سلیمانی در این معاملات میشود که همه ممکن و از احتمالات واقعی اند. اما به فرض صحت تمام این ادعاهای واقعی، به اندازه یک مقال از نقش مثبت و مسئول پ ک ک و حزب اتحاد دموکراتیک در این واقعه مهم کم نمی کند. نزد چپ پروغرب و پروناتو ملاقات با مسئولین و روسای کشورهایی که وحوشی چون داعش پرورنده اند، فعالیت و کمپین و موفقیت و زندگی سیاسی نام گذاری میشود، اما همین نوع رابطه با دولت سوریه کفر و محکوم و قابل سنگسار سیاسی است! خود اینها پشت وحوش "ارتش آزاد سوریه" که بخش عمده اش همین داعش بود، مشغول هوراها و انقلابی و دعای سوسیالیستی برای گسترش آن جنگل سیاسی به ایران بودند، حالا امثال حزب اتحاد دموکراتیک را به نوعی مربوط به اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی میدانند؟

ادعای دیگر کنار همین ارزیابی معرفی حزب اتحاد دموکراتیک و پ ک ک به عنوان احزاب نوعی چپ و مارکسیست و کارگری در میان البته محافل روشنفکر بی خبری است که از روی ترجمه آثار نویسندگان شرق گرای بی خبرتر غربی ماهیت این جریان را ارزیابی و معرفی میکنند. کسی که از نزدیک اینها را می شناسد، می بیند که شاخه ایرانی اینها برای مقبولیت نزد جمهوری اسلامی در آخرین کنگره شان با پرده ای سیاه در وسط سالن شان، آنرا به

## مخاطراتی که "جنبش مقاومت کوبانی"...

سبک اسلامی ها زنانه و مردانه کرده بودند. شاخه سوری اش در کنار خود پ ک ک برای سالهای طولانی در کنار رژیم اسد زندگی سیاسی کرده است. پ ک ک در سال گذشته، در مقطع مذاکراتش با همین دولت امروز ترکیه، مانع گسترش فضای اعتراضی کشور ترکیه به کردستان آن شد و بهتر از هر نیروی حافظ دولت ترک پشت به جامعه و دست در دست دولت همین اردوغان داعشی گذاشت. دوستی پ ک ک با جمهوری اسلامی هم همیشه علنی تر از این بوده که نیازی به افشاگری منتقدین داشته باشد. نتیجتاً ادعای چپ بودن اینها بی پایه و عاری از حقیقت و از طرف خودشان هم یک اتهام سیاسی است.

حقیقت این است که نه ماهیت حزب اتحاد دمکراتیک و پ ک ک تغییر کرده است و نه جامعه تحت اداره آنها قرار است سیستم سیاسی اقتصادی متفاوتی از دنیای سرمایه داری موجود را تامین کند. فردای جنگ همان سیستم حکومت میکند که امروز در همه کشورهای منطقه حکومت میکند. نقش امروز حزب اتحاد دمکراتیک در کردستان سوریه همانقدر بار سیاسی مثبت دارد که در پیش گرفتن چنین سیاستی در کردستان ایران توسط احزاب ناسیونالیست کرد یا ایرانی در دوره احتمال خطر سناریوی سیاه؛ حفظ جامعه و مدنیت در دل یک جنگستان سیاسی. در مقطع احتمال سناریوی سیاه در ایران، منصور حکمت ایفای نقش سفید برای حزب دمکرات کردستان و جریان سلطنت طلبان را محتمل دانست و هوادار امضای یک سند سیاسی مشترک برای متعهد کردن هم طرف های درگیر در سناریوی سیاه احتمالی به دفاع از مدنیت و زندگی اجتماعی بود و برای تحقق این سند تقلا هم کرد، بدون اینکه در ارزیابی ماهیت سیاسی طبقاتی آنها تجدید نظر و یا ذره ای تردید کند. در صورت شروع سناریوی سیاه در ایران آن زمان، نیروهای تمام این ناسیونالیست ها میتوانند در نقش قهرمانان حفظ مدنیت و جامعه ایفای نقش کنند و در مقابل آوارگی و نسل کشی و ویرانی سدی ببینند که مانند قهرمانان امروز کوبانی، در دنیا خوشنام عام و خاص شوند.

کمونیست های ایران اگر در چنین سناریوی احتمالی نمی بایست نیروهای حزب دمکرات کردستان و سلطنت طلبان را قهرمانان آزادی و رهایی و انسانیت و مشابه بلشویک ها و کموناردها و ... اسم ببرند، نمی توانند جایگاه مقاومت قهرمانانه زنان و مردان کوبانی تحت رهبری حزب اتحاد دمکراتیک را خارج از نقش واقعی آنها ارزیابی کنند. ماهیت و جایگاه این مقاومت و قهرمانی را هدف آن جنگ تعیین میکند نه شکل میلیتانت و فداکاری و از خودگذشتگی نیروهای تشکیل دهنده آن. سربازان امریکایی و انگلیسی در دوره جنگ علیه هیتلر، در کنار ارتش سرخ شوروی قهرمانی های بیشماری به خرج دادند، ولی هیچ

تاریخ نگار واقع بینی جایگاه متفاوتی از اهداف آنها به جنگ و فداکاری شان نمیدهد. هدف آنها شکست هیتلر و فاشیسم بود و در این کار موفق به کسب بزرگترین پیروزی تاریخ بشریت بر فاشیسم شدند، بدون اینکه سیستم سیاسی اقتصادی حاکم در این کشورها تغییری کند. بحث این است که آنچه ماهیت یک مقاومت و جنگ را تعیین میکند اهداف سیاسی آن است، نه شکل و شیوه و فداکاری های متن آن. فاشیسم هیتلری مشابه فاشیسم داعشی امروز است و مقاومت و قهرمانی در مقابل هر دو یک وزن مشابه دارد. اگر کسی از میان کمونیست ها، نقش مقاومت ارتش امریکا و انگلیس در جنگ جهانی علیه هیتلر را برای آزادی و برابری و رهایی انسان و... ارزیابی کند، میتواند همین نقش و جایگاه را برای جنگجویان کوبانی هم قائل شود.

جنگ را تعیین میکند اهداف سیاسی آن است، نه شکل و شیوه و فداکاری های متن آن. فاشیسم هیتلری مشابه فاشیسم داعشی امروز است و مقاومت و قهرمانی در مقابل هر دو یک وزن مشابه دارد. اگر کسی از میان کمونیست ها، نقش مقاومت ارتش امریکا و انگلیس در جنگ جهانی علیه هیتلر را برای آزادی و برابری و رهایی انسان و... ارزیابی کند، میتواند همین نقش و جایگاه را برای جنگجویان کوبانی هم قائل شود.

## خطراتی که کوبانی و کردستان سوریه را تهدید میکند؛

این بحث و مقدمه باید ابزاری برای ارزیابی و تحلیل مخاطرات پیش روی این بخش از کشور سوریه باشد.

نکته اول در این بحث این است که سرنوشت آینده این مقاومت و قهرمانی ها حتی اگر به شکست برای حفظ کوبانی منتهی شود، قهرمانان کوبانی سربلند تاریخ و نمونه ای از مقاومت در مقابل وحش فاشیست دست پرورده "دنیای آزاد" اند. درسی که آنها به همه جهان دادند، و نقشی که ایفا کردند، آنها را در جایگاه پیروزان تاریخ مبارزه علیه فاشیسم اسلامی قرار داده است.

با همه اینها، سرنوشت بعدی آن به دلایلی با خطراتی روبروست؛ مسعود بارزانی در همدستی با ترکیه و امریکا تنها زمانی به "یاری" کوبانی برخاست که خواست های سیاسی اش برآورد شده بود. اعلام شد که بعد از جلساتی طولانی با رهبری حزب اتحاد دمکراتیک، توافقاتی حاصل شده است. طبق توافق صورت گرفته بین حزب اتحاد دمکراتیک از یک طرف و بارزانی و ترکیه و امریکا از طرف دیگر، از این به بعد اداره کوبانی و مناطق کردنشین سوریه تحت اداره مشترک حزب دمکراتیک و دیگرانی مانند "حزب دمکرات کردستان سوریه" در می آید که متحد ناتو و ترکیه و امریکا و ارتش آزاد سوریه اند. ورود نیروهای بارزانی اساساً برای تقویت همین جناح در کردستان سوریه است. در یک پروسه تدریجی، و بویژه اگر همراه با امتیازاتی توسط ترکیه به پ ک ک باشد، جایگاه سیاسی این منطقه در دل سناریوی سیاه سوریه میتواند به نفع ترکیه و بارزانی و امریکا تغییر کند. به یاد داشته باشیم که جهنگبری پ ک ک در دل تحولات منطقه بر اساس منافع مستقیم آن در ترکیه میتواند تغییر جدی کند. همانطوریکه نقش نیروهای پژاک در کردستان ایران تابعی از سیاست پ ک ک در منطقه بوده و روزی جنگ و روز دیگر پیام معامله با جمهوری اسلامی

بعلوه در طول این نوشته به این مهم پرداخته شد که جنبش مقاومت کوبانی محصول عملی سیاستی مسئولانه توسط یک حزب ناسیونالیست کرد است. مسئله دیگری که در ابتدای نوشته آمد، وقوع این اتفاق در دل یک جنگ برای تقسیم مجدد جهان بین قطب های امپریالیستی است. تقریباً اکثریت شاخه های ناسیونالیسم کرد در همه کشورها، رسماً یا غیر رسماً با پروژه امریکا و غرب همگام اند. تنها مورد استثنایی شاخه سوری پ ک ک است که به دلایلی که قبلاً رفت، در موضع مسئولانه ای سنگر گرفته که نتیجه آن اداره مناطق کردنشین سوریه در توافق با دولت مرکزی، بدون پیوستن به ارتش آن کشور در مقابل ناتو است.

خطر اینجاست که در صورت گرفتن امتیازاتی توسط حزب مادر، یعنی پ ک ک و معاملات احتمالی پشت پرده با امریکا و ترکیه، حزب اتحاد دمکراتیک تا چه اندازه قادر به ایستادگی روی پای خود در سنگر مسئولانه تا به امروز است. یک نگرانی دیگر میتواند احتمال نزدیکی بیشتر پ ک ک با قطب چین و روسیه و جمهوری اسلامی و اتخاذ یک سیاست جنگی علیه ناتو و متحدین شان باشد.

در این رابطه، کمک صمیمانه به کوبانی و مقاومت کردستان سوریه، توصیه صمیمانه به این جنبش و رهبری آن برای پیشبرد همین سیاست فعلی است که جامعه را تحت سلطه خود اداره کرده و از پیوستن به نیروهای جنگی طرفین قطب های امپریالیستی پرهیز کرده اند. در همین رابطه باید صمیمانه به آنها گفت که حضور پیشمرگه و ارتش آزاد در کوبانی اساساً برای تقویت گرایش به ناتو و تصرف کوبانی و کردستان سوریه از درون در جهت سیاست امریکا و متحدین منطقه ای آن است. هدف امریکا نه در کوبانی و نه در جمع لشگری از کشورهای "ائتلاف ضد داعش"، اساساً نه ریشه کنی جنس و نوع داعش، که کشیدن هر چه بیشتر دنیا زیر سلطه خود در رقابت با قطب امپریالیستی چین و روسیه و متحدین آنهاست. اگر بارزانی یک شبه تصمیم به اعزام پیشمرگه به کوبانی میشود و ترکیه هم یک شبه پشت حرکت پیشمرگه به کوبانی می رود، باید متوجه بود که معامله دولت پیشمرگه با ترکیه بر سر کوبانی، از جنس همان معامله با داعش بر سر شنگال است. هر دو معامله برای تقویت موقعیت بورژوازی کرد در عراق است؛ در یکی عقب نشینی و در دیگری جنگ و مقاومت!

## جنگ داعش و نیروی دفاع توده ای...

فراگیر در کردستان سوریه، اما تحت نفوذ و رهبری احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان سوریه قرار دارد و این احزاب تلاش می کنند در رقابت با همدیگر، نهایتاً این جنبش مسلحانه توده ای دفاع از خود و فوق العاده انسانی را در جنبه ی ناسیونالیسم و قومگرایی نگه دارند و نگذارند پر و بال بکشد.

همچنین بخشی از مردم آواره سنگال و مردمان دیگری در مناطق مختلف کردستان تحت عنوان نیروهای داوطلب و فدایی علیه داعش می جنگند. در شهرها و مناطق دیگر عراق هم گروه های داوطلب برای دفاع از خود مسلح شده اند. این اخبار و اطلاعات را شاید همه می دانند. اما آنچه که کم تر آشنا است و کم تر در باره اش گفته می شود، تحرکی تا حدودی متفاوت با بقیه، در شهر خانقین است. یک حرکت مستقل از احزاب ناسیونالیست، یک حرکت مستقل از دولت مرکزی و مذاهب و فرقه ها. آشنایی به این تحرک اجتماعی و انسانی و ازادخواهانه را از زبان خود فعالین آن بشنویم.

**- ابتدا از سلام عبدالله پرسیدیم که او و دوستانش بعنوان رهبران و فعالین یک حرکت اجتماعی و توده ای در شهر خانقین، در مورد آغاز کار و اقداماتی که شروع کرده اند برای ما بگویند:**

**سلام عبدالله:** مدتی میگذشت که از کانالهای تلویزیون عربی از قبیل شرقیه، الجزیره، رافدین و چند مدیای دیگر بعنوان جنگ روانی تعرض ها و حملات داعش را به مناطق مختلف عراق پخش می کردند که در بعضی از آنها حمایت از داعش مشخص بود. از جمله در این مدیا مرتب اعلام می شد که جلولا دست داعش است. ما که میدانستیم که این یک پروپاگاندا دروغ است و تصمیم گرفتیم که کاری کنیم که این شایعات هدفمند را خنثی کنیم. بهمراه تعدادی از دوستان از خانقین به جلولا رفتیم. نمونه هایی از پرچم و شعار داعش را هم با خود بردیم. در جلو اداره مرکزی ناحیه جلولا جمع شدیم. و اعلام کردیم که جلولا دست مردم است و دست نیروهای مسلح مردمی است و شایعه تصرف جلولا دروغ است. همانجا جلو چشم مردم و تعدادی خبرنگار دیگر که آماده بودند پرچم داعش را سوزانیدیم و فیلم تهیه کردیم تا در مدیا منتشر کنیم. این ظاهر را کار آسانی بود اما علیه شایعات داعش و مدیای حامی شان تاثیر خوبی داشت. چرا که داعش اساساً برای ارعاب مردم مدام شایعه پراکنی می کند و نمایش کشتار و سربریدن می دهد. این اولین اقدام ما بود.

این را بگویم که ما از دو سال پیش یک انجمن به نام انجمن دفاع از منافع مردم " لجنه ی به

رگری کردن له به رژوه ندیه گشتیه کان" داریم. ما نشستیم و تصمیم گرفتیم که یک نیروی دفاع سازمان دهیم. مشکل اسلحه داشتیم اما گفتیم بهر وسیله ممکن باید از خود دفاع کرد. طبیعی است که اگر از همان آغاز شمار زیادی از مردم اسلحه می داشتند ما نقش بسیار سازنده و تعیین کننده ای بازی می کردیم. کمبود سلاح، برنامه و هدف ما که سازماندهی مردم مسلح و مستقل از احزاب و دولت بود را از آغاز ضعیف نشان می داد. یعنی ما احساس ضعف کردیم.

با وجود این ما شروع کردیم به دخالت در مسایل مربوط به جنگ. از جمله یک فراخوان برای اهدای خون دادیم که با استقبال مردم روبرو شد. این شروع خوبی بود. ما با یک سری اقدامات عاجل و فوری روبرو بودیم. هیچ اتلاف وقتی جایز نبود. شرایط به ما این را تحمیل کرده بود که عجله کنیم. از جمله با مساله آوارگان مواجه شدیم. آوارگان به سرپناه و چادر و آب و نان نیاز داشتند. بچه ها لخت و عور کنار جاده ها پخش و پلا بودند. دست بکار شدیم و در یکی از روستاهای نزدیک خانقین برای اولین بار یک کمپ آوارگان ایجاد کردیم. ما از عهده مخارج مسکن و زندگی آوارگان بر نمی آمدیم. همانطوریکه در همه جا دست به دامن کمکهای بین المللی می شدند. اکنون در خانقین حدود هفتاد هزار آواره وجود دارد. این از توان ما خارج بود و ما هر اندازه که می توانستیم انجام دادیم. از این گذشته ما زخمی های جنگ هم داشتیم. و می دیدیم که بیمارستان ها مدام مشکل کمبود خون داشتند. حتی نیروهای مسلح جبهه با وجود اینکه وابسته به احزاب حاکم و دولت مرکزی بودند اما مشکل کمبود خوراکی حتی آب و نان داشتند. ما در میدان شهر مردم را دعوت به کمک کردیم و در فاصله کمی چند کامیون کوچک آب و خوراکی جمع آوری شد که در جبهه ها توزیع گردید. ما تصمیم گرفتیم که خود خوراکی ها را در جبهه توزیع کنیم. جنگ است دیگر تدارکات و پشت جبهه هم بخشی از جنگ و دفاع از خود مردم بود. بعلاوه حضور ما در جبهه ها روحیه نیروهای جبهه را تقویت می کرد. برای آوارگان هم همین اقدام را بعمل آوردیم چرا که سازمانهای بین المللی کمک به آوارگان هنوز نرسیده اند. دست کمک بطرف تشکلهای مدنی "غیردولتی" دراز کردیم زیاد موثر نبود. ناچار در مرکز و داخل شهر شروع به جمع آوری کمک مالی برای آوارگان جنگی کردیم. اما در این کار ما تنها نبودیم. یعنی تنها ما نبودیم که به کمک آوارگان اقدام کردیم. برای مثال اهالی "آلیاوا" در این رابطه اقدام کم نظیری کردند. این را باید به همه مردم جهان گفت. مدرسه "آلیاوا" ملو از آوارگان جنگ بود. مردم روستا فوراً از هر چه در بساط داشتند و توانستند دریغ نکردند و نان و آب و خوراکی رساندند. چیزی که اهمیت داشت این بود که در رساندن کمک به زنان و مردان و کودکان آواره هیچ آثاری از قوم پرستی یا تبعیض بر اساس قومیت و مذهب و اینکه که عرب است و که کرد یا ترکمن یا شیعه و سنی، نبود. همه اهالی روستا کرد زبانند و برخلاف

تبلیغات کثیف و مدام طرفین جنگ و اینکه این جنگ سنی و شیعه و یا کرد و عرب و غیره است، این مردم از صمیم قلب به همه کمک رساندند...

اینها اولین اقدامات عاجلی بود که ما انجام دادیم. اما بحران و جنگ کماکان ادامه داشته و دارد. ما تلاش کردیم نیروی دفاع مسلح و مستقل را در حد امکان سازمان دهیم. از آنجا که خانقین به جبهه جنگ و به جلولا که اکنون در تصرف داعش است، خیلی نزدیک است. مردم شهر مدام در ترس و دلهره بسر می برند. برای مقابله با این نگرانی که واقعی بود، ما به سازماندهی نیروی محافظت از شهر و نگرهبانی شهر و محلات اقدام کردیم. ما خود و اهالی داوطلب حفاظت از شهر را و نگرهبانی شبانه روز را شروع کردیم. در این رابطه با نهادهای احزاب حاکم در شهر ارتباط گرفتیم و این کار را خبر دادیم. چرا که نمی شد مردم مسلح غیرنظامی در شهر حضور یابند و نیروهای مسلح احزاب بی خبر باشند و احتمال برخورد و درگیری بوجود می آمد. در نتیجه آنها می بایست مطلع باشند و ما اداره پلیس شهر را با خبر کردیم که ما مردم می خواهیم در حفاظت از شهر شرکت می کنیم. پلیس شهر مخالفت کرد و گفت به ما دستور داده اند که بجز نیروهای ما کسی نباید در شهر مسلحانه ظاهر شود. اما ما به مخالفتشان توجه نکردیم چرا که آنها اهمیت و ضرورت دفاع توده ای از شهر را نمی دانستند و یا اساساً با چنین پدیده ای بیگانه بودند. ما اعلام کردیم که ما مردم ضرورت و حیاتی بودن این وظیفه را می فهمیم و کسی نمی تواند جلو ما را بگیرد. من شخصا پیش مسئول حزبی اتحادیه میهنی رفتم و گفتم که مطلع باشند که مردم می خواهند در حفاظت از شهر، خود مسلحانه و با هر وسیله ممکن ولو بادیست خالی در نگرهبانی و حفاظت از شهر شرکت کنند. او در مقابل جدیت و تصمیم ما نتوانست بایستد و ما کار را شروع کردیم.

این باعث شد که خود احزاب موجود در شهر و پیشمرگان قدیمی هم دسته دسته در مدخل شهرها و سر پل ها و جاده ها به نگرهبانی ایستادند. می توانم بگویم تمام شهر پر شد از نیروی دفاع!

به این ترتیب اقدام ما ولو با تعداد نه چندان زیاد اعضای انجمن، باعث یک تحرک بزرگ اجتماعی شد. تصمیمی بسیار موثر و می توان گفت انقلابی که قبل از هر چیز عزم و اراده مردم را نشان داده و اعتماد بخود را زیاد کرده و روحیه اهالی شهر را در مقابل تبلیغات جنگی و ارعاب داعش بالا برد و تقویت کرد.

ما تصمیم گرفتیم این نیروی دفاع را بهم وصل کنیم و صرفنظر از وابستگی حزبی یا این و آن گرایش و تفاوت میان مردم، متحدشان کنیم. در نتیجه ما میان گروه های نگرهبان شهر پخش شدیم و سر زدیم و با آنها صحبت کردیم و انجمن و



## جنگ داعش و نیروی دفاع توده ای...

شما بود. آیا موفق به سازماندهی این نیرو مستقل از احزاب و دولت شدید؟

فعالین دفاع از را معرفی کردیم و تلاش کردیم در مرکز شهر یک تجمع یا مجمع عمومی "کوبونه وه ی گشتی" تشکیل بدهیم. اما متأسفانه فقط بخشی از این نیروهای دفاع مردمی از فراخوان ما استقبال کردند و افراد وابسته به احزاب حاکم و یا پیشمرگان قدیمی به حکم وابستگی حزبی اجازه نیافتند شرکت کنند. اوامر حزب مانع شرکت آنها شد.

- قبل از اینکه به ادامه بحث در رابطه با مسایل کنونی بپردازیم، مختصری در باره انجمن دفاع از منافع مردم "لجنه ی به رگری کردن له به رزوه ندیه گشتیه کان" که شما بوجود آوردید و سابقه کارش توضیح دهید.

**سلام عبدالله:** ما چهار سال پیش این انجمن را تشکیل دادیم، یعنی قبل از سال ۲۰۱۰ میلادی. علت تشکیل چنین هیئتی از جانب ما در آن سال، بر سر مسئله "آب" بود. حدود چهار یا پنج سال میشد که جمهوری اسلامی ایران اقدام به مسدود کردن مسیر رودخانه الوند کرده بود که این مسئله ضایعات سنگینی را به زندگی مردم شهر خانقین تحمیل کرده بود، همه چیز در مخاطره قرار داشت و کشاورزان و باغداران خسارت زیادی متحمل شدند. به همین خاطر ما که حدود ۱۲ نفری میشدیم چند روز جاده بین بغداد و ایران را به کنترل خود درآوردیم و آن را بستیم که این اتفاق انعکاسی زیادی در سطح تمام رسانه ها و میدیاهای عربی و جهانی داشت. از همان روز، نیاز به یک هیئت یا یک نیروی ملی را برای ممانعت از تحمیل مصائبی که هم از طرف دولت بغداد و هم از طرف حکومت اقلیم کردستان ضروری دانستیم.

منطقه ما یعنی خانقین هنوز در بلا تکلیفی بسر میبرد، نه حکومت بغداد و نه حکومت اقلیم در قبال این منطقه هیچگونه احساس مسولیتی ندارند بدلیل اینکه از لحاظ اداری و قانونی ما تحت قوانین حکومت مرکزی هستیم، و از لحاظ جغرافیای و استانی جزو شهرهای کردنشین میباشیم و هیچکدام به ما رسیدگی نمیکنند. ما تقریباً فعالیت خود را از همان دوره شروع کرده ایم و فعالیت و تحرکهای زیادی در عرصه های مختلف داشته ایم. مردم نیز برای حل مشکلاتی که دارند به ما مراجعه میکنند و به احزاب حاکم در قدرت دیگر باوری ندارند. خوشبختانه ما نیروی انسانی زیادی داریم و با جریانات دیگر در کردستان نیز در ارتباط میباشیم.

- در ابتدای صحبتتان گفتید که برای جنگ علیه داعش تصمیم گرفتید یک نیروی دفاع سازمان دهید. و برای این کار کمبود سلاح مشکل جدی

کردیم که هر کسی که اسلحه دارد به ما ببیندند تا از خود دفاع کنیم، بدون اینکه منتظر باشیم نیروی کمکی از حکومت اقلیم یا عراق بیاید. این اقدام از طرف ما نتیجه مثبتی داشت و با استقبال خوبی مواجه شد و تا این لحظه نیز شبها در سطح شهر حضور پیدا میکنیم و بعضاً کسانی هم اسلحه ندارند ولی باز با ما همراه میشوند و نگهبانی میدهیم.

این هیئت در کردستان کاملاً مستقل عمل میکند و هیچ رابطه ای با حزب حاکم در کردستان و حکومت مرکزی ندارد، برای تامین مایحتاج خود نیز کاملاً مستقل میباشیم و خودمان آن را فراهم میکنیم. یک مسئله دیگر که ما را برجسته میکند این است که مرد سالاری در میان ما جایگاهی ندارد و هیئت و گروه ما تنها مردان را در بر نمی گیرد و زنان نیز در این امر دوش به دوش ما مشارکت و فعالیت دارند و این الگوی خوبی برای دیگران است. همزمان ما با نهادها و تشکل های دیگر در بغداد در رابطه هستیم و بنا بر نیاز از همدیگر درخواست همکاری میکنیم و همکاری نیز داشته ایم.

- آیا ان گروه ها و تشکل های بغداد، کرد هستند یا عرب زبان؟

**سلام عبدالله:** آنها عرب هستند و در اکثر شهرهای عراق نیز فعالیت دارند مانند بصره، بعقوبه و...، بطور مثال در رابطه با قطع آب از طرف جمهوری اسلامی، که تحرکات اعتراضی را سازمان دادیم، این گروه به حمایت از ما به اینجا آمدند و با ما همکاری خوبی داشتند و تا الان نیز ادامه دارد. در واقع ما برای هر خواست و مطالبه ای داریم، به صورت مستقل دست به تحسن، اعتصاب و اعتراض میزنیم و تنها مختص به کردستان نیز نمیباشد و جنبه کردستانی ندارد. برای ما فقط بحث انسانی مسئله اهمیت دارد و فرقی نمیکند در کجا رخ خواهد داد، پس ما موضعگیری خود را آشکارا اعلام میکنیم، برای ما شخصیتی چون نلسون ماندلا میتواند الگو باشد که ۲۸ سال از عمر خود را در زندان برای اهداف خود که آزادی انسانی تحت ستم نژادی بود را فدا کرد و این برای ما جایگاه بالایی دارد.

- جولای در نزدیکی خانقین قرار دارد، شایعاتی زیادی درباره سقوط این شهر و تصرف آن از طرف داعش وجود دارد، چه شد که چنین اتفاقی افتاد؟

**سلام عبدالله:** جولای حدود ۳۰ کیلومتر از خانقین فاصله دارد، ما از همان روز اول شاهد اتفاقات جولای بودیم و خودمان در آنجا حضور داشتیم

**سلام عبدالله:** همان روزی که داعش به جولای نزدیک شد، مردم خانقین در حال گریختن از شهر بودند، ما یک واحد مسلح را تشکیل دادیم و حدود هشت نفر بودیم. از جمله ایاز علی، خالد رشید، کارزان عبدالرحمان، نسرين مراد، سیروان نوروز و... که بلافاصله به طرف جاده حرکت کردیم و توانستیم خود را در آنجا مستقر کنیم، مردم همچنان در حال فرار از شهر بودند، من به طرف یکی از ماشین ها رفتم و ایاز هم به طرف یک ماشین دیگر، از آنها پرسیدیم چرا فرار میکنید؟ چه اتفاقی افتاده؟ ما هنوز در شهر هستیم و میخاهیم از خودمان و شهر دفاع کنیم. ما از خود شمایم بدین ترتیب توانستیم عده ای از مردم را راضی کنیم که در شهر بمانند و برگردند، مردم میترسیدند و طبیعی هم بود و حق داشتند، چونکه زن و بچه داشتند و با یک گروه بی رحم و جانی طرف بودند.

همان شب توانستیم "خانقین" را کمی کنترل کنیم و خود را سروسامان دهیم. مردمی که ما را میدیدند احساس شرمندگی میکردند، بعضی از آنها میگفتند که خجالت میکشیم شما را تنها بگذاریم. ما هم به شهر برمگردیم، حتی اگر داعش هم بیاید باز برمگردیم. این یک اقدام خیلی بزرگی بود هرچند که زیاد به چشم نمی آمد ولی این احساس را داشتیم که کار تاثیرگذاری انجام داده ایم، بعد آن شب شروع به کنترل شهر و ایجاد پست های نگهبانی بر روی جاده ها کردیم و هر کسی اسلحه خود را همراه می آورد و تا پاسی از شب حدود ساعت ۳ و ۴ نگهبانی میدایم، به تدریج مردمی که ما را میدیدند به صورت خودجوش اقدام به تشکیل واحد و یا گروه های کوچکی در محلات شهر کردند و توانست به صورت وسیعی در اکثر محلات مستقر گردند.

در رابطه با اهداء خون نیز، با اتحادیه معلمان (ماموستا محمد) صحبت کردیم، ایشان گفتند که امروز عصر جلسه داریم و پیشنهاد شما را در اختیار اتحادیه معلمان قرار میدهیم که ما هم بتوانیم در این طرح شرکت داشته باشیم و خون اهداء کنیم. بعد از آن روز قضیه اهداء خون وارد فاز گسترده تری گردید.

بعد از حمله داعش و نگرانی از اینکه داعش به خانقین نیز حمله کند، مردم ما را خطاب قرار دادند که در این شرایط میبایست چه اقداماتی کرد؟ مردم قبل از مراجعه به حزب حاکم در کردستان به ما مراجعه کردند. واقعیت این بود که حکومت در این قضیه خیلی به کندی اقدام کرد و دیر عکس العمل نشان داد. در نهایت ما اولین گروه دفاع را تشکیل دادیم. از همه تقاضا

## جنگ داعش و نیروی دفاع توده ای...

شما میگویید ما، این ما به غیر از این تعداد زن و مردی که خود را سازمان داده اید شامل چه کسانی یا چه گروههای دیگری از مردم میشود؟ اگر زمانی داعش بخواند به خانقین حمله کند، به نظر شما چه تعداد افراد به فرخوان شما اسلحه بر میدارند و از خود و شهرشان دفاع میکنند؟

**سلام عبدالله:** مدتی پیش جمعی از سلیمانیه به اسم "نیروی دفاع مردمی" به اینجا آمدند و با هم ملاقات داشتیم، با هم تبادل نظر کردیم، آنها بیانیه ای همراه آورده بودند که اگر ما زمانی بخوایم بیانیه ای بنویسیم در مطابقت و با همان مضمون خواهیم نوشت. مستقل از حزب حاکم، جنبشی مردمی باشیم و در این رابطه به توافق رسیدیم که با هم همکاری داشته باشیم اما متأسفانه از لحاظ زمانی آنها چندان وقت نداشتند و نتوانستند اینجا بمانند. بجز این مورد درباره کرکوک زیاد با خبر نیستیم.

ما الان مشکل جدی آوارگان را هم داریم. ما به این مناطق برویم تا از اوضاع آواره ها از نزدیک آشنا شویم. خوشبختانه تا آنجایی که امکانات اجازه داده باشد به این آواره ها خدمت رسانی شده به عنوان مثال در گرمای سوزان این مناطق اسکان دادن و استقرار بسیار مشکل و سخت میباشد. هنوز در جاهایی با کمبود زیاد مواجهیم و عده ای از گرفتن کمک بی بهره اند.

- شما از بیانیه ای صحبت کردید که جمعی به نام نیروی دفاع مردمی تهیه کرده بودند، آیا خود شما در مورد فعالیت ها و تحرکاتی که داشته اید، بیانیه ای رو به مردم داده اید یا نه؟

**سلام عبدالله:** ما برای اکثر فعالیت های که داشته ایم فراخوان و بیانیه و اطلاعیه داده ایم. برای اهداء خون، جمع آوری کمک برای آواره ها و در خلال این چند سال که مدام در فعالیت و جنب و جوش بوده ایم از بیانیه و فراخوان استفاده کرده ایم. بعضی موارد کارهای مهمی با حضور صدها نفر انجام داده ایم و گاهی هم با حضور فقط چندین نفر توانسته ایم کارهای خود را پیش ببریم.

- این بیانیه ها را کجا می شود پیدا کرد؟

**سلام عبدالله:** همه آنها در فیسبوک و مدیای مجازی درج شده اند. اگر تمایل داشتید میتوانم آنها را به شما نشان دهم.

- با وجود آن، متأسفانه اقدامات شما از خانقین به آن طرف تر انعکاسی نداشته است و کسی از این اقدامات شما مطلع نیست. شما انجمنی به نام "انجمن دفاع از منافع عمومی" را تشکیل داده اید در طول این مدت و تا این اواخر که

**سلام عبدالله:** روز اول که ما فرخوان را در سطح شهر پخش کردیم و از طریق تلفن نیز به این کار مبادرت ورزیدیم، حدود سی یا چهل نفر که لیست آنها را هم داریم با ما ارتباط گرفتند. در شهر نیز مردم از ما درخواست اسلحه میکردند ولی تنها مشکل اصلی که ما داریم همین مشکل اسلحه میباشد که ما متأسفانه اسلحه زیادی در اختیار نداریم، آنهایی که اسلحه دارند با ما همکاری میکنند و یا در منزل گذاشته اند برای دفاع از خانواده هایشان. اما همانطور که قبلاً هم گفتم، مشکل اصلی ما همان در اختیار نداشتن اسلحه به اندازه کافی میباشد.

- سوال را طور دیگری مطرح میکنم، آیا شما به مردم ابلاغ کرده اید که ما برایتان اسلحه تامین میکنیم و مسلحتان میکنیم یا اینکه گفته اید هر کسی با هر اسلحه و ابزاری که در اختیار دارد به شما بپیوندد تا یک نیروی بزرگ مردمی را تشکیل دهید.

**سلام عبدالله:** ما هر دو کار را می کنیم. اما در هر دو حالت این مسئله یک مسئولیت بی نهایت خطیر است. ما مسئله امنیتی را نیز در نظر داریم. به این خاطر نیاز به حداقل شناخت در مورد کسانی که از ما اسلحه میخواهند یا خود اسلحه دارند داریم. تصمیم گرفتن در این مورد و تشخیص به موقع، خیلی دشوار است. به همین دلیل با مشکلاتی در این رابطه مواجه شده ایم متأسفانه.

- در شرایط امروز عراق و کردستان، ما شاهد دو جبهه مقاومت و دفاع از خود هستیم. جبهه ای در حال درگیری هستند یا در آستانه شروع درگیری میباشند و هرآن نگرانی در اینباره بیشتر و بیشتر میشود که میبایست درگیر شوند و از زندگی و جان و مال شان دفاع کنند. بخش دیگر پشت جبهه است و نگرانی از وقوع انفجارات و ترور و تحرکاتی از این دست. در هر دو جبهه، مردم به صورت خودجوش به تحرک افتاده اند تا بتوانند از خود دفاع کنند. به عنوان نمونه، هم اکنون کرکوک جایی است که به نظر میرسد مردم بی اختیار و مایوس و زیر ضرب کشت و کشتار و ترور قرار دارند. ظاهراً در شهر جنگی در کار نیست. اما هیچکس امنیت ندارد. فکر نمی کنید اگر کسی از منطقه ای در کرکوک شروع به جمع آوری نیرو کند و اعلام دارد که برای جلوگیری از بمب گذاری و

واژ اولین درگیرهای آنجا فیلم برداری نیز کرده ایم. واقعیت مسلم این بود که تمام شهر جولای غیر از یک محله به نام "تژنید" در کنترل نیروهای پیشمرگه قرار داشت. درگیری در این منطقه حدود دو ماه طول کشید و تبدیل به یک معضل بزرگ برای کل منطقه شد. در حالی که به هیچ وجه نیازی نبود اینچنین طولانی ادامه پیدا کند و دو ماه را صرف درگیری در این منطقه برای آزاد سازی آن کنند. این در حالی است که نیروی های پیشمرگه توپ دارند، سلاح سنگین دارند و یک نیروی وسیع در کل منطقه مستقر شده است. حتی یگانهای ضد ترور با امکانات کاملاً مدرن نیز آمدند. مردم کم کم این احساس را پیدا کردند که این یک بازی بیش نیست و دلیل آزاد نشدن این منطقه تعدمی میباشد و غیر عادی است. به دلایل نامعلوم و یا سیاستهای حزب حاکم در کردستان، هر بار با جواب های مختلفی مواجه میشدیم. زمانی که آنها را مورد خطاب قرار میدادیم و پیگیر قضیه میشدیم، بعضاً میگفتند که هنوز حکمی برای پیشروی از مقام های بالا به ما ابلاغ نشده است و دستور پیشروی، دفاع یا عقب نشینی تنها با حکمی که به ما ابلاغ میگردد قابل اجرا است. در واقع مفهوم حکم از مقامات بالا یعنی در موقعیت دفاع ایستادن و پیشروی نکردن بود. این بزرگترین اشتباه بود. سیاست دفاع در مقابل داعش مفهومی ندارد. متأسفانه این سیاست منجر به عقب نشینی نیروی پیشمرگه در مقابل داعش گردید که این یک فاجعه بزرگ در این منطقه بود. تا همین لحظه نیز، که ما برای نیروی های پیشمرگه کمک های مردمی را میبریم و مواد خوراکی شان تامین می کنیم، دور تا دور جولای را نیروهای پیشمرگه محاصره کرده اند. اما قصد پیشروی ندارند و اینبار میگویند که منطقه توسط داعش مین گذاری شده است. نیروی های پیشمرگه ادوات و تسلیحات زیادی برای خنثی سازی مین ها در اختیار دارند اما قصد پیشروی ندارند.

- به نظر میرسد نیروی شما هنوز در حدی نیست که بتواند مستقلاً در جنگ علیه داعش شرکت داشته باشد، آیا این مسئله واقعیت دارد؟

**سلام عبدالله:** این درست است. اما "نیروی دفاع" به جولای میرفت و گاهی به میان پیشمرگه ها میرفتند و نگهبانی میدادند یا اینکه خود مستقلاً کنترل چند منطقه در به دست میگرفتند و در آنجا مستقر میشدند.

تمام تلاش ما این است که بتوانیم چنین نیروهای دفاعی را سازمان دهیم ولی متأسفانه تنها دو منطقه از ما حمایت کردند و دیگر مناطق به دلیل وابستگی به حزب حاکم چندان استقبالی از این حرکت ما نکردند.

سرو سامان داده ایم و برایشان مسکن فراهم کرده ایم. دولتی به عنوان یک نیروی فشار عمل کنیم.

**داعش حمله کرده است اقدامات زیادی انجام شده است. آیا شما در نظر دارید به مردم بگویید هدف و گام های دیگران چیست؟ برای مثال خودتان گفتید و بعضا مردم میدانند که احزاب حاکم در این منطقه وجود دارد. حکومت مرکزی هم حضور دارد و همه این ها امتحان خود را پس داده اند. حالا وقت آن رسیده که مردم خودشان برای دفاع از منافع خود امروز علیه داعش، برای حفاظت از جان و زندگی خود به میدان بیایند و در نتیجه این دخالت های توده ای در آینده هم قدرت به مردم بازگردانده شود. چنین دورنمایی می تواند مردم را بیشتر آگاه و بسیج کند. و از همه میخواهد برای متحقق شدن آن متحد شوند و همکاری داشته باشند. مکانی را برای مراجعه لازم است و یا نشریه ای تاسیس شود و از این قبیل کارها که در این دوره خیلی لازم و ضروری میباشند، شما در این زمینه های چه کارهای را در دستور دارید؟**

**سلام عبدالله:** سوال خوبی را مطرح کردید. ما از آغاز فعالیتیمان خیلی تلاش کردیم که نشان دهیم چه اهدافی را دنبال میکنیم. شیوه کار و نوع فعالیت های خود را روشن و شفاف به اطلاع همه رساندیم، زمان زیادی صرف اعتماد سازی و جلب افکار عمومی شد تا ثابت کنیم ما مستقل از حکومت مرکزی و احزاب حاکم در حال فعالیت هستیم. چند اصول اولیه را برای شناساندن خود برجسته کردیم از جمله اعلام کردیم ما قائد و مسئول نداریم و همه ما به یک اندازه در قبال اهدافی که داریم مسئول میباشیم، شماره تلفن های همه اعضا را در دسترس همگان قرار دادیم، جلساتی که برگزار میشد علنی بوده و هر کسی حق این را داشته که در این جلسات شرکت کند. شرکت در فعالیتها کاملا داوطلبانه و اختیاری میباشند. فراخوانهای ما بر این اساس صورت گرفته و میتوان گفت ما صدای حق طلبانه مردم این شهر هستیم، وقتی مردم با مشکلات روزمره مانند مشکل برق مواجه میشوند، اول به ما مراجعه میکنند، مسئله آب و حتی کسانی که مسکن ندارند به ما مراجعه میکنند.

**مردم از چه طریقی با شما ارتباط میگیرند؟**

**سلام عبدالله:** از طریق شماره تلفنهای که در اختیار مردم گذاشته ایم با ما تماس میگیرند، حتی کسانی که در حزب حاکم عضو هستند و در چهارچوب حزبشان نمیتوانند مشکلاتشان را حل کنند به ما مراجعه میکنند. در یک کلام چه از طریق نامه، تلفن و یا اینکه مراجعه های حضوری در سطح شهر ما مسبب این شده ایم که اگر نگوییم صدها بلکه دهها خانوار را ما

**اجازه بده سوالم را اینجور تکمیل کنم. میتوان گفت فعالیت شما برای بسیج و سازماندهی یک جنبش مردمی هنوز در آغاز کار است، فارغ از اینکه انجمن شما چهار سال است که پا گرفته و حضور خود را اعلام کرده است. و درست است که در جنبش مردمی مشارکت داوطلبانه است ولی نیاز به رهبری و مرکزیت دارد که مدام در تکاپو و فعالیت هستند و در مقابل همدیگر احساس مسئولیت میکنند. اگر غیر از این باشد به قول ضرب المثل فارسی " تو نیکی کن و در دجله انداز" می شود. با وجود فعالیت های عظیمی که تا بحال شما انجام داده اید میبایست که روز بروز گسترده تر از قبل شده باشد و به همین نسبت نیاز به رهبری متمرکزتر با مسئولیت بیشتر دارد. رهبری که برای تمام عرصه از جنگ و اعزام نیرو به جبهه های جنگ و کمک به آواره ها و تامین امنیت و سرو سامان دادن به مشکلات مردم و خیلی کارهای دیگر سازمان و تقسیم کار و نیرو می خواهد. دورنمای کار شما با وصف تمام این اقدامات بزرگ چیست و برای آینده این جنبش چه برنامه ای دارید؟**

**سلام عبدالله:** یکی از جدل های که شخص من همیشه با آن درگیر هستم سر همین قضیه میباشد. زمانی که مسئولیتها را به عهده یک نفر بیندازند، شیوه کاری که احزاب برای خود تبیین کرده اند و آنزمان است که باید احساس خطر کرد. ما معتقد به کار گروهی و جمعی هستیم. مردم نیز از احزاب یاد گرفته اند که یک نفر باید همیشه امر و نهی کند و با دستور به کارها رسیدگی کنند.

**شاید هم روزی لازم شود که حزب درست نیست. اما در حال حاضر قرار است جنبش شما بزرگ و بزرگ تر شود. اگر موفق شوید بنا بر این، همه اعضای مثلا چند صد و چند هزار نفری را نمی توان رهبری جمعی نامید. بالاخره سطحی از رهبری را باید به مردم معرفی کرد که ممکن است سلسله مراتب هم در آن باشد. آیا شما چنین آینده ای را برای خود پیشبینی می کنید. برای مثال اگر وضع جدیدی پیش بیاید و جنگ خاتمه پیدا کند و انتخابات اعلام میشود، در نتیجه مردم این شهر قاعدتا باید به کسانی چون شما رای دهند، آیا این وضعیت را در فردای فعالیت خود می بینید**

**سلام عبدالله:** کاک خالد میخواهد جواب این سوال شما را بدهد ولی قبل آن میخواهم به نکته ای اشاره کنم اینکه ما به عنوان یک نیروی فشار باقی بمانیم بهتر است و ترجیح من این است که در مقابل مشکلات و کارشکنی های

**خالد باجلان:** اینکه چهار سال است که ما این هئیت را تشکیل دهیم درست است ولی یک چیز را نباید فراموش کنیم که این شهر حدود سی و پنج سال تحت سلطه یک سیستم دیکتاتور و درنده بوده است، این تصویر کماکان در اذهان مردم باقی مانده است و کردستان نیز بعد از بیست سال گرفتن خودمختاری توانسته است به درجه ای از لحاظ فکری پیشرفت و رشد داشته باشد اما شهر ما تا به امروز زیر فشار حکومتی همچنان مانده است به دلیل اینکه ما یک شهر مرزی هستیم و آخرین شهر جنوبی کردستان میباشیم، به همین خاطر مدام تحت کنترل شدید هستیم. با این اوضاع نمیشود توسط چند نفر این شهر را اداره کرد. به عنوان مثال وقتی فراخوان یک اعتصاب یا تحصن را میدهیم، مردم با بدبینی و اینکه حکومت مرکزی یا حکومت اقلیم زیر بار نمیروند با قضیه مواجه میشوند و از طرف دیگر وابستگی اقتصادی که به حکومت دارند مانع دخالتگری آنها میشود. چند روز پیش بر اثر حادثه برق 5 نفر جانشان را از دست دادند و وقتی ما نسبت به این قضیه حساسیت نشان دادیم و خواستیم عکس العمل نشان دهیم با این جواب مواجه شدیم که حزب حاکم از این مسئله ناخشنود خواهد شد و ممکن است برایمان دردسر درست شود.

مامیخواهیم که اوضاع را تغییر دهیم و این زمان زیادی می برد. قدم به قدم بایست جلو رفت، خانقین حتی مثل شهرهای دیگر کردستان نیست، در شهرهای دیگر تاحدی از وجود امکانات و آسایش و امنیت میتوان اسم برد ولی در اینجا چنین چیزی وجود ندارد. به علاوه بیش از نصف جمعیت خانقین با زبان کردی سورانی آشنای چندانی ندارند و بیشتر کانالهای عربی را به دلیل اینکه بیشتر متوجه میشوند پیگیری میکنند. یا اینکه وقتی میخواهیم علیه حکومت بغداد دست به تحرکی بزنیم ما را متهم میکنند که شما علیه بغداد هستید چونکه آنها حکومت شیعی دارند. هرچند خوشبختانه درصد بسیار کمی این چنین تفکر و گرایشی دارند و با جرات میتوان گفت که خانقین اولین شهری میباشد که عرب، کرد، شیعه، سنی، مسیحی، ارمنی، آشوری و کاکه ای بدون هیچ گرایش طایفه ای با هم زندگی میکنند و هیچ تداخل و مشکلی تاکنون از این بابت نداشته ایم.

**سلام عبدالله:** اجازه بدهید من کمی بهتر در مورد تاریخچه این شهر برایتان بگویم. با اکتشاف نفت در این منطقه کارگران زیادی در این شهر متمرکز شدند و این عامل بسیار

موتری در برجسته شدن این مسئله یعنی پذیرش ملیت ها و مذاهب و غیره در کنار هم است. به



## جنگ داعش و نیروی دفاع توده ای...

**کردستان انجام شده است. از نظر شما چه در جریان اوضاع کنونی و چه بعد از داعش، سرنوشت این تحرکات و خودسازماندهی ها به کجا میرسد؟**

ما هنوز دارای چنان قدرتی نیستیم و هنوز یک گروه کوچک به شمار میایم، به این امید که در شهرهای دیگر نیز چنین گروه های تشکیل شود تا بتوانیم احساس قدرت بزرگتری بکنیم. شخص من خارج از فعالیتهای این گروه و هیئت به میان قشرهای کارگری رفته و انجمن دفاع از حقوق کارگران و حقوق زیست را تشکیل دادم، به تمام کمپانی های نفتی سر زدم، با تمام انجمن های روستاها فعالیتیم را شروع کردم، با کارگران، بیکاران و... توانستیم انجمن های را تشکیل دهیم اما متأسفانه هنوز به نتیجه مطلوب نرسیدیم. این یک تجربه جدید است. این دو حزب حاکم موجود دو موسسه مالی هستند. در این شهر و در تمام شهرهای کردستان دو موسسه رسمی کورد وجود دارد. یکی موسسه حزب اتحادیه میهنی کردستان است و دیگری موسسه حزب دمکرات کردستان عراق.

**سلام عبدالله:** قبل از داعش هم ما وجود داشته ایم.

**- بعد از داعش چکار می کنید؟**

**سلام عبدالله:** به همین روالی که تا به امروز آمدیم ادامه خواهیم داد.

**- شما میگوید که به مانند یک گروه فشار عمل میکنید. یعنی به حکومت فشار می آورید تا به مشکلات مردم رسیدگی کنند، آیا شما نمیخواهید قدرت را در دست بگیرید و یا بخشی از آن را در اختیار داشته باشید؟ اگر این کار را در دستور نداشته باشید فکر نمی کنید فعالیتهایتان در سطح خیریه و کمک رسانی و غیره میماند؟**

**سلام عبدالله:** مردم شهر به ما احتیاج دارند. میخوام به یک نمونه اشاره کنم، ما قرار بر این گذاشته ایم که هیچکدام از ما این حق را ندارد که در انتخابات خود را کاندید کند به این دلیل هر کسی که وارد این سیستم شود آلوده میشود، حکومتی به این درجه آلوده و کثیف و به دور از خواسته مردم طبیعتاً کسی وارد آن شود فاجعه به بار خواهد آورد. این تجربه احزاب سبز در آلمان بود زمانی که متوجه شدند بیرون از سیستم نمیتوانند تغییری ایجاد کنند، در سیستم شدند و حتی احزاب کمونیستی هم، در نهایت قبول کردند که آلمان نیز در جنگ افغانستان شرکت داشته باشد. آلمان در جنگ یوگسلاوی دخالت کند، یعنی شعار صلح و آشتی طلبانه و دفاع از محیط زیست حذف شد و این احزاب به بخشی از سیستم تبدیل شدند. اگر ما نیز امروز چنین تجربه ای را بخواهیم تکرار کنیم بی گمان دچار همین تناقضات خواهیم شد.

**- انجمن های شهر هم جزو سیستم حکومتی است؟**

**سلام عبدالله:** انجمن شهر نیز جزء سیستم حکومتی میباشد، آنها ۱۳ نفر هستند و هشت نفر از آنها متعلق به آن یکی حزب و پنج نفر دیگر متعلق به حزب مقابل. اگر من به این انجمن وارد شوم یعنی یک نفر در برابر ۱۳ نفر حزبی، پس صدای من به هیچ جا نمیرسد و هیچ فعالیت مفیدی را نمیتوان در این انجمن پیش ببرم. بیشتر زندگی مردم وابسته به احزاب میباشد و حقوقشان را همین احزاب تامین میکنند.

پس بهتر است خارج از سیستم به فعالیتهای مردمی خود ادامه دهم تا اینکه وارد سیستمی بشوم که خود من را نیز به فرسایش میکشاند.

به همین دلیل ما ترجیح میدهیم در بیرون از سیستم بایستیم تا اینکه وضعیت کمی بهتر شود، قطعاً اوضاع به همین منوال پیش خواهد رفت و تغییراتی روی خواهد داد. ما میتوانیم به سیستم هم کمک کنیم و نمیخواهیم همیشه علیه آن بایستیم.

**- یعنی شما قصد ندارید سیستم را تغییر دهید؟**

**خالد باجلان:** ما نمیتوانیم با چنین نیروی کمی که داریم سیستم را تغییر دهیم. آنها به سراغ ما میآیند و حتی در انتخابات گفتند که به عنوان سخنگو با ما همکاری کنید. ولی ما جواب دادیم اگر امروز این کار را بکنیم وارد سیستم شما خواهیم شد و این یعنی تحت سلطه آنها قرار گرفتن.

با این اوصاف ما نه میخوایم در انجمن وارد شویم و نه در هیچ ارگان و پارلمانی. در ثانی

دلیل وجود طبقه کارگری از هر قوم و مسلکی در این منطقه، خانقین یک بافت کارگری پیدا کرد و این باعث شده است که اختلافات قومی و مذهبی در اینجا رخ ندهد. تنها یک مورد در این سالها روی داد آنها هم مربوط میشد به دورانی که حکومت بعث با سیاست قوم پرستی کردهای خانقین را از شهر بیرون کرد و اعراب را جایگزین نمود. اعرابی هم که در اینجا اسکان داده شدند وابسته به حکومت بعث بودند، بعد از قیام که مردم به شهرها بازگشتند و قصد داشتند در خانه های خود که قبلاً از طرف حکومت بعث به اعراب واگذار شده بود زندگی کنند و بدین ترتیب بدون هیچگونه درگیری و خونریزی، اعراب دسته جمعی خانقین را ترک کردند و کوچکترین تعرضی که ناشی از قوم پرستی و تفکرات شوینیستی باشد صورت نگرفت.

**- من هنوز جواب سوال قبیل را نگرفتم که برای آینده و فردای جنبش خود چه برنامه ای دارید؟ آیا به همین منوال میخواهید پیش بروید یا اینکه میخواهید حزب درست کنید، یا اینکه با انجمن ها و نهادهای مردمی شهرهای دیگر کردستان بر سر تشکیل یک تشکیلات بزرگتر و تاثیرگذار تر دست بکار میشوید، چه راهی را برای فردای خود در پیش میگیرید؟**

**سلام و خالد به نوبت:** شیوه کاری که ما در این چند سال در پیش گرفته ایم به همین منوالی بوده که عرض شد. با وجودی که منابع مالی و اداری در دست احزاب حاکم میباشد اما نقطه مراجعه مردم و حتی کانالهای تلویزیونی و خبری ما هستیم و با ما ارتباط میگیرند. ما منتظریم که چنین الگو و مدلی در شهرهای دیگر کردستان هم تشکیل شود. اما متأسفانه تا بحال شاهد چنین اتفاقی نبوده ایم مگر در دفاع عمومی که مردم مجبور میشوند بصورت اتوماتیک از خود دفاع کنند و منتظر کسی نباشند. مثلاً نمونه های کوبانی و منطقه سنجان را میتوان مورد اشاره قرار داد.

ما بر ادامه فعالیت خود به همین منوال اصرار داریم. ما تقاضا میکنیم که در شهرهای دیگر کردستان هم دست به کار شوند و نمونه خانقین را برای خود الگو قرار دهند. وقتی میبینند که احزاب به دانشان نمیرسند پس چرا نباید خود را مستقل از آنها متشکل کرد و سازمان داد.

**- داعش به شهرهای عراق حمله کرده است و مردم آگاهانه و سازمان یافته مثل انجمن شما و یا بصورت غریزی و طبیعی، دستجات خود برای دفاع از زندگی شان و جلوگیری از تعرض بیشتر داعش تشکیل داده اند. این کار هم بدون توجه به حکومت بغداد یا حکومت اقلیم**

## جنگ داعش و نیروی دفاع توده ای...

تفکر دموکراسی در عراق هنوز در پایه های اولیه خودش هم قرار نگرفته است و مردم بر اساس سیستم حزبی در انتخابات شرکت میکنند و نمایندگان خود را انتخاب میکنند. به دلیل اینکه زندگی مردم در اختیار احزاب قرار گرفته است.

**سلام عبدالله:** ما خودمان نیز کم و کاستی زیاد داریم. به عنوان مثال در جریان حمله به شنگال ما اول تصمیم گرفتیم که کمک جمع آوری کنیم و از خانقین به طرف شنگال حرکت کنیم. متأسفانه آن را عملی نکردیم و اگر چنین اتفاقی میفتاد و اولین محموله کمکی از اینجا به شنگال منتقل میشد، میتوانست تمام نیات دو حزب حاکم را به تمامی افشا کند و دست شان را بیش از پیش برای مردم رو میکردیم. چطور میشد مردم از خانقین خود را به کوههای شنگال برسانند و برایشان کمک و آذوقه فراهم کنند ولی یک حکومت با تمام دم و دستگاہهای عریض و طولیش نمیتواند اینکار را بکند. پس معلوم می شود نمی خواهد این کار را بکند.

- سوال قبلیم را بنوع دیگری مطرح می کنم. شما می خواهید به عنوان نیروی فشار باقی بمانید و حتی به نظام کنونی یعنی دولت اقلیم کمک کنید که اوضاع بهبود یابد. این نوعی اصلاح طلبی است. آیا شما می خواهید حکومت اقلیم اصلاح شود؟

**سلام عبدالله:** ما فعالیتهای زیادی را در تمام عرصه ها انجام داده ایم که هنوز به آن اشاره نکرده ایم، به عنوان مثال تشکل دفاع از زنان را تشکیل دادیم تا علیه فرهنگ مردسالارانه بایستیم، دهها دختر و زن را از خطر تجاوز و اذیت و آزار جنسی نجات دادیم. علیه قتل های ناموسی زمانی که دختری حامله بود ایستادیم و از مرگش جلوگیری کردیم و این عملکرد ما در این دوره بوده است. بنابراین ما اعتقادی به شعار دادن نداریم و مردم باید خودشان به این درجه از آگاهی برسند. قبلاً در هر خانه ای یک کتابخانه وجود داشت ولی الان حتی یک کتاب را در یک خانه پیدا نمیکنی و به همین درجه سطح آگاهی مردم پایین آمده و بیشتر درگیر پیدا کردن یک لقمه نان برای شیشان میباشند و وقتی برای مطالعه و کارهای دیگر ندارند.

- همزمان با حمله داعش، مسعود بارزانی شعار استقلال کردستان را بلند بلند کرد و اعلام کرد که اکنون زمان گرفتن استقلال برای کردستان است. مردمان زیادی از این طرح حمایت کردند و حتی احزاب ایرانی هم از آن استقبال کردند. نظر شما در این رابطه چیست؟

**سلام عبدالله:** ما در این رابطه هیچ اقدامی نکردیم و خود را درگیر این مسئله ننمودیم.

**ایاد علی:** هر کشوری نیاز به زیر ساخت دارد. سوال این است که آیا واقعا در این شرایط و حدود این سه ماه که داعش حمله کرده است ما میتوانیم شعار استقلال را علم کنیم، آنهم زمانی که هنوز وابسته هستیم و فساد سرناپای حکومت را دربر گرفته است و هر روز بدتر از روز قبل میشود. در پاسخ به سوال قبلی شما در رابطه با وضعیت و برنامه ما برای آینده، باید بگویم جامعه ما نیاز به که یک تغییر کامل فکری دارد چونکه مردم هنوز رعب و وحشت سی و پنج سال گذشته را در دل دارند و هنوز فراموش نکرده اند.

**سلام عبدالله:** سبک کار، جایگاه و موفقیت ما در یک کار نشان میدهد زمانی که متوجه باشیم یکی از اصول برای جلو رفتن، تشخیص درست و پیش گرفتن آن است. اگر ما بتوانیم در هر عرصه ای قبل از هر جنبش و تحرک دیگری اقدام کنیم، میتوانیم توازن را به نفع خود تغییر دهیم. متأسفانه در این زمینه بسیار سهل انگار و یا بهتر بگویم کم کار هستیم. ما باید اصول اساسی فعالیت را رعایت کنیم چونکه این مبارزه روز و شب ما میباشد. جنبش کمونیستی در دنیا با وجود صدها میلیون قربانی عقب رفت، میتوان ده ها تفسیر از شکست و فروپاشی آن داشت. در نتیجه هر کدام از ما برای ایجاد یکی دنیای بهتر نیاز است به جای صد کادر کمونیستی آن دوره فعالیت و مبارزه کنیم. ما هنوز در اول راه هستیم. هستند کسانی که تمام وقت در خدمت منافع این جنبش فعالیت میکنند ولی هنوز جان نگرفته است جنبش ما و ضعف

تنوریک و پراکتیک دارد. وقتی ما همراه با بخشی از جامعه مثلاً دانشجویان و دانش آموزان برای مطالبستان دست به اعتراض میزنیم، در فرادای تجمعات عمومی و فراخوانهای عمومی دیگر شاهد حضور آنها نیستیم. بخشهای مختلف مردم وظیفه خود نمی دانند از اعتراضات و مبارزات همدیگر حمایت کنند و شرکت کنند.

- اجازه بدهید گفتگومان را در اینجا خاتمه دهیم، جا دارد که از تک تک شما تشکر کنم، شما کارهای ارزنده بی شماری را تا به امروز انجام داده اید و این جنبش باید گسترده تر شود، کارها و اقدامات شما باید به گوش دیگران در نقاط مختلف برسد و ما نیز در نشر این تجربیات و رساندن صدای شما به دیگر شهرهای کردستان و عراق تلاش خواهیم کرد. تا جایی که امکان داشته باشیم صدای شما را به گوش میدیای ایرانی نیز خواهیم رساند. اقداماتی که شما انجام داده اید متأسفانه خیلی ها از آن بی خبرند در حالی که بسیار ارزشمند و مهم میباشند. برایتان آرزوی موفقیت و سربلندی داریم.

مرداد ۹۳ - اوت ۲۰۱۴

رادوینا  
Radio Neema

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

www.hekmatist.com

رادوینا هر روزه بینا از تاریخ ۱۵ ژوئیه شروع به کار میکند

رادوینا بینا هر شب ساعت ۸.۳۰ تا ۹ شب به وقت تهران از طریق ماهواره هاتبرد پخش میشود

رادوینا بینا، صدای پپ، صدای آرزوهای و برابری طلبی را گوش کنید و آنرا به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید

فرکانس پخش:

Satellite: Eutelsat HOTBIRD 13A 13°

Frequency: 12597

POL: V

FEC: 3/4

Symbole rate: 27500

Audio PID: 2130

# اتحادیه کارگران ساختمانی از تشکیل تا فعالیتهای آن

## گفتگو با استاد حسین

هر چند هستیم اما در ۶ ماه گذشته فعالیت چشم گیری نداشته ایم و کل فضای عمومی و... تاثیر منفی بر فعالیت ما گذاشته است. اما تصمیم داریم که دوباره کارمان را شروع کنیم. اما مشکلاتی هم داریم و تعدادی از همکارانمان احساس خستگی میکنند، شرایط کاری به صورتی است که کارگر ساختمانی مثل کارگران رشته برق نیست که با هم باشند و بعد از کار همدیگر را ببینند و... و همین برابری مشکلاتی ایجاد کرده است. این فعالین اساسا کارگران کمونیست هستند که با همه مشکلات تلاش میکنند، خستگی نمیشناسند. با بقیه کارگران باید کاری پرحوصله کرد و زمان میخواهد. بیکاری و مشکلات آن هم تاثیر زیادی دارد. طبق امار حداقل ۷۰ هزار کارگر بیکار در کردستان داریم. تازه این امار مربوط به پروژه های اصلی و بزرگ است و کارگران بیکار در بخش ساختمان و غیره را به عنوان بیکار به حساب نمی آورند و در حقیقت امار واقعی بیکاری چند برابر این است، و اینها هم از عواملی است که در کند پیش رفتن کار ما تاثیر دارد.

همچنین فضای اعتراضی عمومی جامعه هم عقب رفته است. عدم پرداخت دستمزد و حقوق مثلا سه ماهه برای کارگران و زحمتکشان فشاری جدی است که بر فضای اعتراضی کارگران هم تاثیر گذاشته است. اکنون اوضاع به صورتی است که کارگران میبایست علیه این اوضاع دست به اعتراضات وسیع میزدند، اما کلا هوشیاری عمومی و آگاهی کارگری پایین است و بخشا موقعیت ما هم چنین است و کارگران کمونیست و کلا این گرایش زیاد خودآگاه و قوی نیست. این هم تاثیر جدی گذاشته است. این ناهوشیاری شامل بخش ما هم میشود هر چند ما در این بخش تشکلی داریم و اما کلا در میان کارگران کردستان تلاش و تمایل برای متشکل شدن پایین است. طبیعتا ما هم اشکالات و نواقص خود را داریم و حتما اینها هم موثر هستند.

**مظفر محمدی:** شما سه سال است تشکل کارگران ساختمانی را ایجاد کرده اید. می شود کمی بیشتر در مورد دستاورد این تشکل در سه سال و چند ماهی که از عمر آن میگذرد برای کارگران ساختمانی بگویید؟

**استاد حسین:** اره مهم این است که زمانی که کارگر در تشکل خود متشکل میشود دستاوردی برایش داشته باشد. کارگر یک دوره میتواند به تو اعتماد کند و دنبالت بیفتد، باید عملا تشکل برایش دستاوردی داشته باشد تا این اعتماد ادامه یابد. قیل ترها کارگران در ابعاد هزاران نفر وارد سندیکاها می شدند و بعدا هم با هزاران نفر

مجموع کارگران رشته های مختلف تشکل خود را بسازیم. اما دیدیم که کارگران سایر رشته ها آمادگی لازم را ندارند و تصمیم گرفتیم بیش از آن منتظر نشویم و تشکل کارگران ساختمانی را که آماده تر بودیم را فعلا تشکیل دهیم.

ما در آغاز کار ۱۲ فعال کارگری بودیم و در میان رشته های مختلف کارگران ساختمانی مجمع عمومی برگزار کردیم که حدود ۶۰ نفر در آن شرکت کردند و ۷ نفر را از رشته های مختلف بخش ساختمان به عنوان هیئت نماینده گان در این جلسه انتخاب شدیم. رشته گچ کارها که خود من هم گچکارم کلا در میان ما قوی تر بود. کارگران این بخش بیشتر شرکت میکردند و حتی در هیئت نمایندگی نیز فکر کنم بیشتر منتخبین از این بخش بود. بعدا سعی کردیم این شیوه کار و نماینده انتخاب کردن از هر رشته ای را تغییر دهیم و کلا در میان کل کارگران تعدادی را به عنوان نماینده کل کارگران ساختمانی انتخاب کنیم نه نماینده از رشته های مختلف.

دوره ای تشکل کارگران ساختمانی کلا فعال بودیم و به مراکز مختلف کارگری سر میزدیم، به مسائل کارگران خصوصا مسئله امنیت محیط کار آنها رسیدگی میکردیم و اینها در سالیتهای و... انعکاس می یافت و فکر کنم خود شما آنوقت حضور داشتید و شاهد کار ما بودید. کار ما به این صورت پیش رفته بود که اگر روزی نبودیم کارگران سراغ ما را می گرفتند و سوال میکردند که چرا پدیدمان نیست. می گفتند فلان کارگر از ساختمان پایین افتاده است و شما کجا هستید. هر اتفاقی برای کارگری می افتاد دوستان و آشنایان میگفتن که حالا سروکله اتحادیه ی پیدا میشود و در این دوره کلا در دفاع از امنیت و سلامتی کارگران و کلا ایمنی محیط کار نقش خوبی داشتیم.

در این دوره کارمان خوب پیش میرفت و شناخته شدیم هر چند خودمان راضی نبودیم، به مناسبتهایی کار میکردیم در مورد امنیت محیط کار و شرایط کار برنامه داشتیم و سالانه به این مناسبت برنامه های داشتیم و تلاش میکردیم شیوه کارمان را عوض کنیم و تنها به یک چیز نچسبیم. برای نمونه در مناسبت روز ایمنی محیط کار وارد یکی از پروژه ها شدیم که بیشترین قربانی شرایط کار را داشت. هر چند تهدید و فشار آسایش (پلیس امنیتی اقلیم کردستان) روی سرما بود اما گوش نکردیم و رفتیم محلی که بیشترین قربانیان عدم امنیت محل کار را داشت و کارگران را جمع میکردیم و اینها بیشتر ما را شناساند.

اما دوره اخیر با فضای جنگی در کردستان و فشار بیکاری وسیع تشکل ما را هم ضعیف کرده است، کمتر فعال هستیم و کمتر ظاهر میشویم و در مراکز مختلف کاری ظاهر و دخالت میکنیم.

**مقدمه-** این گفتگو اخیرا در تیر ماه ۹۳ (اوت ۲۰۱۴) در شهر سلیمانیه با استاد حسین کارگر کمونیست و از فعالین کارگری و بنیانگذار اتحادیه کارگران ساختمان سازی کردستان عراق انجام شد. من (مظفر محمدی) و محمد راستی در دیدار با استاد، حضور داشتیم.

**مظفر محمدی:** سوالم را از وضع تشکل کارگران ساختمانی و چگونگی تشکیل آن و کارهایتان شروع میکنم، چگونه این تشکل را سازمان دادید و الان در چه وضعی قرار دارید؟

**استاد حسین:** تشکل ما حول و حوش ۱۷ شبات سال ۲۰۱۱ و در دل اعتراضات آن دوره شهرهای کردستان عراق شکل گرفت. در آن زمان ما جمعی از کارگران و فعالین کارگری از جمله استاد مهدی و استاد ابراهیم و تعدادی دیگر در میدان سرای شهر سلیمانیه جمع شدیم و گفتیم چرا ما در دل این فضا به فکر شکل دادن تشکل مستقل خودمان نباشیم. مدت چند ماه بحث و مشورت میان ما و تعدادی از فعالین کارگری با گرایشهای مختلف که بعضا از تشکلات سیاسی هم بودند، اما کارگر بودند صورت گرفت و کمکم جمع شدیم و با هم صحبت کردیم و تعدادمان هم هر روز بیشتر میشد. گفتیم اول موازین چنین تشکلی را و پروژه خود برای چنین کاری را روشن کنیم و طی جلساتی که با هم داشتیم اینها را روشن کردیم. تحرکات اعتراضی ۱۷ شبات کم کم در حال اتمام و عقب نشینی بود و ما برعکس قوی تر میشدیم. بعد از ۱۷ شبات اول ماه مه را در مقابل خود داشتیم و ما هم مثل کارگران کردستان شروع به تبلیغات و فعالیت در جهت زنده نگه داشتن فضای اعتراضی کردیم. هر چند آنزمان هنوز قدرت زیادی نداشتیم اما فضای عمومی آماده بود و فرض ما این بود که کارگران و مردم دیگری به ما میپیوندند. ما در عمل پای تحرک و تظاهراتی در این روز نرفتیم، نگران بودیم با توجه به فضای عمومی و فضای اپوزیسیون و از جمله وجود نیروی تغییر (جریان گوران) و اینکه آنها صاحب قضیه بشوند و ما شکست بخوریم. اما با این وضع مسئله اول مه و ابراز وجود کارگری را در ذهن جامعه به مسئله ای تبدیل کردیم و در همه تلویزیونها و رسانه های اصلی خبر برنامه ما و تبلیغات ما پخش شد و مجموعا سروصدای خوبی کرد. و سرانجام بعد از اول مه تشکل خود را ایجاد کردیم.

ما در اول تلاشمان این بود که کارگران رشته های مختلف و کل مراکز کارگری را جمع کنیم، مجامع عمومی در هر بخش را از جمله کارگران خبازیها، برق، سیمانکار و کلا کارگران ساختمانی و... را برگزار کنیم و از

## اتحادیه کارگران ساختمانی از تشکیل ...

از آن خارج شدند و احساس می کردند این سندیکاها آلترناتیو آنها نیست و جواب نمیدهد، لذا دستاورد عملی مهم است.

همچنانکه گفتیم ما بر ایمنی محیط کار تاکید زیاد کردیم و تلاش کردیم امنیت شغلی کارگران را به مسئله جامعه تبدیل و به فضای جامعه تا مباحثات پارلمان و... تبدیل کنیم.

ما میخواستیم کاری کنیم که این مسئله مورد بحث قرار بگیرد، اعضا پارلمان مجبور باشند که روی آن صحبت کنند، کار کنند و جواب بدهند. و یکی هم قانون کار است که روی آن کار کرده ایم و تاکید برداشتن قانون کاری به نفع کارگران که اینجا هیچ قانون کاری موجود نیست.

**مظفر محمدی:** مسئله ایمنی محیط کار بکجا رسید، آیا تبدیل به قانون شد؟ آیا این در قانون کار عراق نیامده است و آیا دولت و پارلمان کردستان عراق قانون کار عراق را قبول دارد؟

**استاد حسین:** ایمنی محیط کار در قانون عراق آمده است و پارلمان هم نمیگوید آنرا قبول ندارد. اما ما مجموعه ای شرایط و... را تعریف و به عنوان ایمنی محیط کار در مقابل پارلمان گذاشته و آنها هم میگویند در مورد آن صحبت خواهند کرد. ما تاکید کرده ایم که تامین ایمنی محیط کار با دادن چند رهنمود که صاحب کار چنین و چنان کند تامین نمیشود و باید نمایندگی کارگران بر ایمنی محیط کار نظارت داشته باشد. و در عین حال گفته ایم که این امر باید در قانون کار گنجانده و رسمیت یابد. در حال حاضر کارفرما نظارت بر ایمنی محیط کار را دارد و برای آن کس تعیین کرده است. این نشد تامین ایمنی، نظارت باید از جانب نمایندگی کارگران باشد نه کارفرمایی که کارگر را تهدید میکند، علیه کارگر است و اخراج میکند.

همزمان ما مسئله قانون کاری مناسب برای کارگران را طرح کرده ایم، مسئله را به پارلمان برده ایم، به اربیل رفته و با مقامات و پارلمان بر سر نیاز به قانون کاری مناسب صحبت و مذاکره داشته ایم، مسئله برسمیت شناختن آزادی تشکل کارگری را طرح کرده ایم.

اما جواب دولت و انجمن وزیران و وزارت کار در اواخر سال ۲۰۱۳ جواب رسمی ما را داده اند و گفته اند که مطالبات فوق که ما طرح کرده ایم، حق کارگران است و قابل اجرا. اما ما تلاش

میکنیم اینها را در عمل تحمیل کنیم و عملی شود. قرار است در روزهای آتی نه تنها ما بلکه ما و همراه با فعالین کارگری در سایر مراکز کار برویم و با وزیر کار در این زمینه مذاکره کنیم، این امر کل ما کارگران است.

ما این کارها را کرده ایم، در مورد مشخص کارگران ساختمانی که شامل هیچ پروژه ای و قوانینی نیست ما مطالباتی از جمله بیمه درمانی و بیمه بیکاری و... را طرح و به پارلمان و انجمن وزیران برده ایم. در سال ۲۰۱۲ به ما جواب داده اند که مطالبات ما مورد قبول واقع شده و قرار است به انجمن وزیران برود و آنجا

بررسی شود. قرار است بر اساس قانون، کارگر ساختمانی حق بازنشستگی داشته باشند و بیمه درمانی، بیمه بیکاری و حقوق بازنشستگی شامل این بخش از کارگران هم بشود. این بخش از کارگران هیچ کارفرمایی دائمی ندارند و متفاوتند از کارگران یک کارخانه و اینها باید شامل قوانین مورد بحث بشود و قرار است به زودی جواب بگیرد.

در بحثی که ما در پارلمان داشتیم از آنها انتقاد کردیم که همه امورات فوق را بدون دخالت مستقیم نمایندگان کارگران پیش میبرند، گفتیم نه کنگره ای میگیرید و نه فعالین و تشکلات کارگری از جمله نمایندگان کارگران ساختمانی را دخیل میکنید. البته آنها هم به راحتی به مطالبات ما جواب مثبت نمیدهند و این در گرو نیروی ما و بستگی به توان و قدرت جمعی ما است.

**مظفر محمدی:** آیا اینجا بحث حداقل دستمزد در جریان است؟ در ایران هر ساله دولت و کارفرما ها و نمایندگان تشکلهای دولتی به نام کارگر یکجانبه میزان حداقل دستمزد را تعیین میکنند و نمایندگان واقعی کارگر حضور ندارند. آیا اینجا هم چنین امری هست و کلا چه کسی حداقل دستمزد کارگر را تعیین میکند؟

**استاد حسین:** تعیین حد اقل دستمزد، در اینجا خود بخودی است و مثل دوره رژیم قدیم خودبخود اضافه میشود. بستگی به نوع کار و شرایط کار است، مثلا کارگرانی که کار گچکاری میکنند و کار سنگین و سخت میکنند روزانه از ۴۰ هزار دینار کمتر کار نمیکند و کارگران کاشی نیز خود بخود وقتی کارگر گچکار مثلا سالی ۵ هزار بالا میروند در این بخش و بخشهای دیگر خودبخود دستمزد افزایش می یابد و کارگران کمتر کار نمیکند. البته بستگی به ارزش دینار هم دارد و در عین حال در سالهای اخیر و با روی آوری موجی از کارگران مهاجر به کردستان و افزایش بیکاری بر سر وضع دستمزد کارگران هم تاثیر گذاشته است.

**مظفر محمدی:** آیا اتحادیه شما سالانه سطح دستمزد کارگران ساختمانی را تعیین میکنید، که مثلا بگوئید گچ کاران روزی فلان میزان و حداقل دستمزد فلان رشته یا کارگر فنی این اندازه و کارگر ساده نباید از روزی فلان اندازه کمتر باشد؟

**استاد حسین:** نه این کار را نکرده ایم. درست است ما مرکز کارگر ساختمانی هستیم، اما در میان خودمان هم بحث بوده است. بیشتر کسانی که در تشکل ما جمع شده اند بیشتر استاد کارند. برای نمونه استاد کارها همیشه تمایل به ادامه کار کنتراتی دارند و این خصوصیت این بخش است. تشکل ما هنوز نتوانسته به تشکل کارگران ساختمانی و نه صرفا بناها تبدیل شود. تا کنون مثلا رفیقی چون خسرو سایه هم بر سر این ماجرا خیلی با ما جدل داشته است و یا استاد مهدی هم همیشه تاکید میکند که این تشکل را

**مظفر محمدی:** از حرف ها شم اینطور بر می آید که سندیکاهای دولتی در مراکز کارگری نماینده و شعبه ندارند. نیستند و هیچ کاری نمیکند. یا یک فعال کارگری به نام عثمان زندانی که از حزب شیوعی است نماینده همه بخشهای کارگری شده است و دولت هم او را قبول دارد. آیا در میان خود کارگران و یا تحت تاثیر فعالیتهای شما حرکتی برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری وجود داشته است؟

**مظفر محمدی:** از حرف ها شم اینطور بر می آید که سندیکاهای دولتی در مراکز کارگری نماینده و شعبه ندارند. نیستند و هیچ کاری نمیکند. یا یک فعال کارگری به نام عثمان زندانی که از حزب شیوعی است نماینده همه بخشهای کارگری شده است و دولت هم او را قبول دارد. آیا در میان خود کارگران و یا تحت تاثیر فعالیتهای شما حرکتی برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری وجود داشته است؟



## اتحادیه کارگران ساختمانی از تشکیل ...

**مظفر محمدی:** به نظر میرسد بیکاری از وقتی شروع شده که این بحران پیش آمده و قبلا کم بوده است. شنیده می شود که کارگران عراق عامل این بیکاری را کارگر مهاجر میدانند و آیا این باعث انشفاق میان کارگران به نام عراقی و خارجی نشده است؟

**استاد حسین:** ما بر اساس موازین این تشکل باید سالی یک بار مجمع عمومی بگیریم. زیاد جمع نمیشوند در سال ۲۰۱۲ مجمع عمومی گرفتیم اما خیلی کم کارگران شرکت کردند، فکر کنم با همه و حتی مهمانها ۴۷ نفر بودیم. اکنون میبایست مجمع عمومی میگرفتیم که نگرفته ایم، مشکل جمع کردن کارگران است، به مجمع عمومی نمی آیند و از این زاویه دستاورد زیادی نداشته ایم. تلاش کرده ایم فضایی ایجاد کنیم اما باید کارهایی را بکنیم مثلا اینکه چقدر ما توانسته ایم بیمه بیکاری را برای آنها تامین کنیم، چقدر بیمه بازنشستگی و حقوق و دستمزد کارگران را سالانه بالا برده باشیم، اینها کارهایی است که ما هنوز نکرده ایم و اینها را باید به جایی رساند.

**مظفر محمدی:** هیئت مدیره کنونی چند نفر هستند و کلا ترکیب چگونه است؟

**استاد حسین:** ۶ نفریم و گرایشهای مختلف در میان ما هست، از ناسیونالیست تا کارگر کمونیست. اعضای احزاب ناسیونالیستی گوناگون در میان ما هست. جریان تغییر "گوران" در فضای اعتراضی دوره گذشته که آنها در آن فضا و به عنوان اپوزیسیون نقش زیاد داشتند در میان ما کارگران هم زیاد بودند و حتی اکثریت با آنها بود، آن زمان آنها در اپوزیسیون بودند. اما اینها کاری از پیش نمیبردند و چشمشان به دست حزب شان "گوران" بود که آنها چه میگویند. اما این فضا شکسته شده است، با ما تا حال آمده اند، در کمپینها و رفتن و سر زدن به بخشهای دیگر با ما می آیند و ما را دوست دارند و کلا مسئله تشکل پذیری در میان آنها بالا است و تا حال خوب پیش رفته است. اما ما هم هنوز نتوانسته ایم این تاثیر لازم را بگذاریم که از آن گذشته ببرند و به نیروی خود کارگران متکی باشند.

**مظفر محمدی:** کلا در این تحولات اخیر و آمدن داعش اوضاع چگونه است، جنگ داخلی و اعتراضاتی که این دوره پیش آمد و زحمتکشان مطالبات خودشان را طرح کردند. تحریکات ۱۷ شبات فرصت خوبی بود برای کارگران که مطالبات خود را طرح کنند. میگویید مجموعه ای قول و مصوبه را پارلمان قبول کرده است، شما چقدر امیدوار هستید این راههای قانونی به جایی برسد اینکه بیمه بیکاری را قبول کرده اند و ...

**استاد حسین:** برای ما روش است این قول و قرارها به جایی نمیرسد. اما این فقط ما نیستیم فعالینی دیگری هستند که به میدان آمده اند و اما جدی نیستند. مثلا کارگران بیمارستان و برق یک دوره پا پیش گذاشتند و خوب بود اما تشکل آنها عملا منحل شد. کارگران اعتراضاتی میکنند

**استاد حسین:** متأسفانه نه تنها در دل این بحران بلکه قبل از آن هم این ماجرا بوده است. حتی در دوره رونق کار هم ما این مشکل را داشته ایم. یکی از مشکلات ما کارگران ساختمانی همین مشکل است. سخت است کارگر را قانع کنید که عامل این وضع کارگران به اصلاح خارجی نیست. همین اواخر یک ساعت برنامه از تلویزیون حزب شیوعی داشتیم و بر سر این صحبت کردم که خیلی مورد توجه واقع شد. ولی کلا وضع سختی است و اقیانوس کارگر عراق در این دوره بر سر این ماجرا کار ساده ای نیست.

**مظفر محمدی:** چقدر وجود این مسئله باعث اختلاف و دشمنی میان کارگران شده و میدیا در این زمینه چه نقشی دارد؟

**استاد حسین:** میدیا و مراکز روشنفکری متأسفانه خیلی تاثیر منفی دارند. کارشان این است، روزنامه نگاری که میروند و با کارگران صحبت میکنند و انگشت روی مشکل بیکاری آنها میگذارد و سرانجام به اینجا میرساند که خوب کارگر خارجی یا مهاجر عامل این وضع است. آنها به خاطر این کارشان پول میگیرند و این نوع تبلیغات مثل این میماند که بنزین روی آتش بریزد و به این انشفاق دامن میزنند. من تا کنون چندین بار بر سر این مسئله در میدیا صحبت کرده ام. خیلی ها استقبال میکنند و میگویند این انسانی است. ما بارها گفته ایم که حتما آمدن تعداد وسیعی کارگر مهاجر به بازار کار تاثیر میگذارد اما عامل این وضع آنها نیستند. گفته و توضیح داده ایم که مگر ما به عنوان یک شهروند این جامعه چقدر حق و حقوق خودمان برسمیت شناخته میشود. و گفته ایم که مشکل اینجا است که حق ما در این جامعه برسمیت شناخته نمیشود و حقوق شهروندی ما داده نمیشود و اینها مشکل است نه کارگر مهاجر. ما بیمه بیکاری نداریم، حقوق بازنشستگی نداریم، بیمه از کار افتادگی نداریم و دولت از بی حقوقی من، از دستمزد پایین من و ... استفاده میکند و جنگ کارگر بومی و مهاجر راه می اندازد و این جنگ را آنها بوجود می آورند. شرایط کار کارگر مهاجر خیلی از من بدتر است. به او بیشتر ستم میکنند و بیشتر از کرده اش کار می کشند و استثمار می کنند و مورد توهین و بی حرمتی به قرار می دهند. تنها راه حل این معضلات و تفرقه و اختلافات که بین ما کارگران درست می کنند این ایت که همه ما باید با هم باشیم و از هم دفاع کنیم. کارگر عراقی یا کرد و عرب و ترک و ایرانی نداریم. همه کارگریم و هم طبقه و هم سرنوشت.

**استاد حسین:** در مورد عثمان زندانی همان است که گفتیم و شما هم اشاره دارید. همچنانکه اشاره کردم ما فقط در دل اعتراضات نبوده که به مراکز کارگری رفته ایم. هیئتهایی از ما به مراکز مختلف رفته ایم و صحبت کرده ایم.

تلاش کرده ایم رابطه را با آنها حفظ کنیم، آنها ما را میخواهند و کار ما را تمجید میکنند و میگویند کار خوبی میکنید اما خودشان میترسند دست به کاری مستقل در مرکز کار خود بزنند. ما وقتی به مرکزی میرویم و کارگران را جمع میکنیم یا در وقت نهار و... آنها را میبینیم و با آنها صحبت میکنیم بعدش به پلیس خبر داده میشود و تهدیدات پلیس امنیتی (اسایش) باعث ترس کارگران از ایجاد تشکل مستقل کارگری میشود. به کارگران میگویند و تهدید میکنند که از همه چیز باخبرند. آنها تلاش میکنند حتی تشکل ما را منحل کنند، به مطالبات ما و کارگران جواب نمیدهند و مانع کار ما میشوند. حتی شرکت های خصوصی راحت نمیگذارند ما به کارگران آن مراکز سر بزنییم، آنها هم با پلیس ارتباط دارند و مانع برقراری رابطه ما با کارگران مراکز خود ایجاد می کنند.

**مظفر محمدی:** بر مبنای آمار دولتی حدود صد هزار کارگر بیکار در این منطقه موجود است. کارگر ساختمانی که عملا کار دائم ندارند و بیکاری بخشی از زندگی آنها است. آیا کارگران بیکار هم بخشی از تشکل شما هستند و این تشکل را از آن خود میدانند و کلا شما برای کارگران بیکار چه میکنید؟

**استاد حسین:** این موج بیکاری ۶ تا ۸ ماهی است که جریان یافته است. ما به عنوان تشکل خودمان با استانداری سلیمانیه (پاریزگای سلیمانیه) نشستیم و یکی از مطالباتمان تامین بیمه بیکاری بوده است. خواست تامین کار یا بیمه بیکاری داشته ایم. بیکاری زیاد شده و در بخش کارگران ساختمانی که کارگر کار ثابت ندارد و همیشه منتظر کار است مهم است. مسئله بیمه بیکاری از سال ۲۰۱۲ هم پارلمان و هم انجمن وزیران قبول کرده اند. اما در عمل هنوز اجرا نشده. بر اساس قانون مصوب، کارگر سه دوره حق دارد بیمه بیکاری بگیرد و هر دوره سه ماه حق گرفتن آنرا دارد اما تا کنون اجرا نشده است. میگویند قانون تصویب شده اما باید راهنمایی های این قانون برای اجرا روشن شود که هنوز روشن نشده است. اینکه قانون بیمه بیکاری شامل کارگران ساختمانی نمیشود اما مراکز تولیدی از این نظر قانون بیمه بیکاری شامل آنها خواهد شد. بر اساس آمار دولتی اکنون ۶۵ هزار نفر شامل بیمه بیکاری میشود. در واقع ۶۵ هزار نفر ثبت نام شده دارند که بیمه بیکاری شامل آنها خواهد شد. با این وصف کارگری که در بخش ساختمان ۱۵ سال است حق بیمه پرداخت میکند، اما همین کارگر اگر از داریست ساختمان پایین بیفتد کاری برایش نمیکند و چیزی به او نمیپردازند.

## اتحادیه کارگران ساختمانی از تشکیل ...

و بعد از اعتراض به خانه میروند و کار را ادامه نمیدهند. بعضی از میان فعالین که آمه‌های خوبی هستند اما پیگیر و جدی و ادامه کار نیستند. با تلاش ما اول ماه مه ما همراهی میکنند و در تجمعها صحبت میکنند. این دوره تشکل کارگران ساختمانی در اعتراضات کارگری اخیر نقش خوبی داشتیم. دولت بنا به این اعتراضات مجبور شد حداقل یک ماه حقوق معوقه کارگران را بپردازد.

**مظفر محمدی:** ما معتقدیم که کارگر رهبر خود را دارد در کارخانه و بمعنای حضور زیر یک سقف به نوعی متشکل است. اگر قرار باشد کارگر را متشکل کنید باید این فعالین و رهبران را پیدا و آنها را با هم متحد کنید. شما به مرکز کارگری مانند سیمان یا سیگار بروید قاعدتا سراغ فعالین آن محل را میگیرید. ممکن است کارگر کمونیست نباشند اما باید آنها را پیدا کرد و به هم وصل کرد. شما برای این چه راه حلی دارید که آنها را پیدا کنید و آنها را متحد کنید. آیا شما دنبال پیدا کردن آنها رفته اید و چه راهی دارید که آنها را به هم وصل کنید؟ چه ابزاری دارید برای این کار، آیا نشریه "هاویشتی" را که قبلا داشتید و ابزاری بود را هنوز دارید؟

**استاد حسین:** متأسفانه نشریه کارگری هاویشتی که قبلا داشتیم نمانده است، ابزار خوبی بود اما الان منتشر نمیشود. قطعاً همینطور است که شما می گوید، برای مثال در منطقه نفت خیز "شیواشو" کسانی مثل رفیق فریق را داریم که او را پیدا کردیم، یا کسی مثل استاد مجید را داریم که مرتب باهمدیگر در ارتباط میباشیم. با آنها جلسات متعدد برگزار کرده و در جمع ما حضور دارند. از این راه در تلاش بوده ایم که تشکل کارگران نفت را ایجاد کنیم. متأسفانه هنوز موفق نشده ایم بدلیل اینکه به آن درجه از احساس مسئولیت در قبال انجام این مهم نرسیده است که با وجود اینکه ما مدام سعی کرده ایم که به نتیجه مطلوب برسیم. در سیمان سازی "تاسلوجه" سراغ فعالین کارگری آنجا رفته ایم و از نظرات و نوشته های ما مطلع شده اند و توانسته ایم تاثیرگذار باشیم. رفقای کارگر این کارخانه به دفتر ما مراجعه کرده اند. این را هم بگویم که رفقای کارگری که با ما در ارتباط هستند و مارا می شناسند میدانند که ما کمونیست هستیم و با وجودیکه تعدادیشان مذهبی هم هستند اما مشکلی با ما ندارند. هر چقدر کارگران به منافع طبقاتی شان آگاه شوند، مذهب و قومیت برایشان اهمیت سابق را ندارد.

**مظفر محمدی:** به نظر شما از چه طریقی میتوان این فعالین را سازمان داد و دور خود جمع کرد؟ موانع و مشکلات شما چیست مثلا مشکل ارتباط و تبلیغات سیاسی و حتی مالی و غیره. برای نمونه دلیل عدم انتشار نشریه کارگری تان که قبلا داشتید، چیست؟

**استاد حسین:** متأسفانه تا این لحظه نتوانسته ایم نشریه کارگری را چاپ کنیم، با وجود اینکه ما میتوانیم در حد توانایی و آگاهی خودمان در مورد مسائل کارگری دست به قلم ببریم ولی متأسفانه مسئله مالی این اجازه را به ما نداده است و با مانع جدی روبرو شده ایم.

**مظفر محمدی:** منابع مالی اتحادیه تان چیست و از کجا تامین می شوید؟

**استاد حسین:** ما هیچ منبع مالی نداریم متأسفانه. مگر کسی شخصا به ما کمک مالی کند. اگر این مانع نبود حد اقل می توانستیم نشریه مان را چاپ کنیم.

**مظفر محمدی:** دولت اقلیم هم به شما کمک نمی کند؟

**استاد حسین:** نه هیچگونه کمکی از طرف دولت به ما نمیشود، به مجلس و انجمن شهر نامه فرستاده ایم. مبلغ ناچیزی کمک کردند و بعد قطع شد.

**مظفر محمدی:** در همه جا رسم بر این است که دولتها به سندیکاهای کارگری کمک مالی می کنند. از جمله در اینجا هم سندیکاهای دیگری هستند که مخارجشان را دولت اقلیم می دهد. چرا به شما کمک نمی شود؟

**استاد حسین:** سندیکاهای دولتی را تامین می کنند ولی سندیکای مستقل از احزاب و دولت نه. حتی اگر یک نهاد غیرکارگری و یا انی جی او داشته باشی، دولت ممکن است به شما کمک کند اما به اتحادیه مستقل کارگری نه. البته تا کنون کمکهایی از طریق جنبش تغییر (بزوتنه وه ی گوران) به ما شده است.

**مظفر محمدی:** یک راه دیگر جمع اوری کمک مالی خود کارگران هستند. اگر شما به مراکز کارگری و میان کارگران کارخانه ها، در سطح شهر که کارگران در پاتوق ها و قهوه خانه ها جمع میشوند بروید و اعلام کنید چنین تشکل کارگری وجود دارد که هدفش کمک به کارگران برای ایجاد تشکل های کارگری است، از حق و حقوق کارگران دفاع میکند، خواستار قانون کار کارگری هستید و خواسته های کارگران را مانند خواست بیمه کاری، امنیت شغلی، تعیین میزان دستمزد از طرف خود کارگران و غیره را پیگیری می کند و از آنها درخواست همکاری و حمایت کنید، آیا نمیتواند موثر واقع شود؟

**استاد حسین:** حتما موثر است اما ما متأسفانه روابط کارگرمیان را دیگر بخشهای کارگری و کارگران کارخانه ها بسیار ضعیف است. تعداد مبلغین کارگری ما اندک و صدایمان ضعیف است. ما چندین بار کمک مالی در سطح شهر و در روز جهانی کارگر جمع اوری کرده ایم. اما به این منظور به مراکز کارگری و کارخانه ها نرفته ایم.

**مظفر محمدی:** موسسات خارجی غیر دولتی هم بعضا به انی جی او ها کمک می کنند. آیا شما هیچوقت سراغشان رفته اید و گفته ای است که شما از حقوق کارگران دفاع میکنید ولی از انجا که مستقل هستید کمکی به شما تعلق نمیگیرد.

**استاد حسین:** چرا، ما سراغ این ها هم رفتیم و حتی چند جا به ما قول دادند ولی بعد از اینکه بیشتر در مورد ما تحقیق کردند و ما را شناختند از هرگونه کمکی خودداری کردند.

**مظفر محمدی:** اگر منظور تان این است که آنها بدلیل کمونیست بودن تان کمک نکرده اند، ولی من یک موسسه خارجی، فکر کنم نروژی است را می شناسم که به کمونیستهای شناخته شده این شهر در حمایت از زنان فراری از خشونت خانوادگی کمک کرده اند. با وجود اینکه میدانستند این اشخاص چه کاره هستند.

**استاد حسین:** این واقعیت دارد. آنها به فعالیتهایی اینچنینی که شما می گوید کمک میکنند و به سازمانهای جوانان و غیره. اما به کارگر می رسد تمایلی به کمک ندارند و نمی کنند.

**مظفر محمدی:** یک انجمن به نام انجمن کارگران مهاجر ایجاد شده است، ظاهرا شما هم در این مدت با آنها در رابطه بوده اید و با هم کارهای را انجام داده اید، نظر شما در مورد این انجمن چیست و آن را چگونه می بینید؟

**استاد حسین:** بله ما با این انجمن در رابطه بوده ایم و چندین بار به صورت رسمی و شخصی در جمع ها و جلسات این دوستان بوده ایم، مدتی پیش نیز این انجمن با کارگران ترکیه نیز جلسه داشته اند و از ما تقاضا کرده بودند که به عنوان راهنما و مشاور در تنظیم برنامه به آنها کمک کنیم تا بتوانند تشکل خود را ایجاد کنند.

**مظفر محمدی:** آیا کارگران مهاجر ترکیه ای میخواهند جداگانه تشکل خود را جداگانه و مستقل از انجمن کارگران مهاجر ایجاد کنند؟

**استاد حسین:** بله جداگانه میخواهند تشکل ایجاد کنند و ما میخواهیم در طی پروسه همکاری، بیشتر به آنها نزدیک بشویم تا بتوانیم باهم فعالیت داشته باشیم.

**مظفر محمدی:** دلیل اینکه کارگران ترک زبان میخواهند جداگانه تشکل بسازند چیست؟ آیا انجمن کارگران مهاجر جوابگوی نیازهایشان نیست؟

**استاد حسین:** در واقع باید این سوال را در مقابل انجمن گذاشت و ما هم باید با آنها صحبت کنیم و بحث کنیم و ببینیم علت این امر چیست. هر چند به نظر من مشکل از آنجا ناشی میشود که انجمن کارگران مهاجر موسسینش و فعالینش اساسا ایرانی اند و اینجور شناخته شده اند. به

## اتحادیه کارگران ساختمانی از تشکیل ...

همین دلیل همه تصور میکنند که این انجمن محدود به این جغرافیای مشخص است.

من میخواهم اضافه کنم و به صراحت میگویم که تشکل کارگری، یک سری فعالیت دائم و مستمر است و متأسفانه این رفقای ما در این انجمن دخالتگر نیستند و در حاشیه قرار دارند، درجه توقع از خودشان بسیار پایین میباشد هر چند که خلاف آن، کارگران توقع دارند که این انجمن به مشکلات و خواسته های کارگری بیشتر توجه کند و دخالت کند.

برای مثال در حیطه کار ما متأسفانه تنها کارگران ساختمانی هستند که برای حل مشکلاتشان پا پیش میگذارند. به عنوان مثال تشکل کارگران ساختمان سازی دارای کمیسیون های مختلفی میباشد که کیس های مختلف را تا به سرانجام دنبال میکند. از جمله کمیسیون بهداشت و تندرستی که هر کارگرا کیس مشخصی دارد.

انجمن کارگران مهاجر هم باید در دسترس باشند تا کارگران بتوانند به آن مراجعه کنند. باید دارای کمیسیون باشد تا بتوانند فعالیتهای خود را تنظیم و دنبال کنند حتی در اوایل تشکیل تشکل ساختمان سازی ما هم چنین مشکلی را داشته باشیم و اصلاً معلوم نبود که این تشکل چیکاره است و چه کاری انجام میدهد تا سرانجام توانست به وضعیت خود سروسامانی بدهد. از زمان شروع بکار این انجمن (انجمن کارگران مهاجر) که حدود ۹ ماه از آغاز بکار آن میگذرد نیاز است وضعیت خود را تثبیت کند و خود را سازمان دهند. با این شیوه فعالیت با وجود داشتن تجارب گرانبهای زیادی که در ایران و در مراکز کار داشته اند و با وجود فعالین کارگری که حدود ۲۰ سال در این امر فعالیت داشته اند، پس لازم است که خود را جدی بگیرند و برای کار خود اهمیت قائل شوند.

**مظفر محمدی:** پارلمان کردستان قرار است که قانون کار در کردستان را تصویب کند، قانون کار دیگری به نام قانون کار سال ۱۹۸۷ عراق موجود است، آیا در کردستان این قانون کار اجراء میشود؟ و سوال دوم در رابطه با بیمه بیکاری است، حداقل مبلغ بیمه بیکاری در چه سقفی پیش بینی شده است؟

**استاد حسین:** در رابطه با این سوال که چه قانونی در کردستان اجراء میشود، در واقع هر چند تعداد قانون کار در کردستان حتی اگر مناسب هم باشد و به تصویب برسد مادامی که توازن قوای وجود نداشته باشد و چندین تشکل در کردستان به دولت و ارگانهای دیگر دولتی فشار نیاورند هیچ اهمیتی ندارد. به عنوان مثال در قانون کار عراق بندهای خوبی وجود دارد که منافع پایه ای کارگران را مدنظر دارد ولی هیچگاه عملی نمیشود. نه کارفرما، نه وزارت کار و نه سندیکا هیچ اهمیتی به این مسائل نمیدهند. مسئله این است که کردستان بود و نبود قانون هم برای دولت، هم کارفرماها و حتی کارگران هیچ نقش و تاثیری ندارد.

الان هیتی به نام هیئت وزرات کار مانند کشورهای دیگر همسایه وجود دارد که اعضاء آن برگرفته از نمایندگان بهداشت، عمرانی، وزرات کار و سندیکاها میباشد که پروژه ها را مورد بازرسی قرار میدهند اما متأسفانه هیچ اقدامی در راستای بهبود وضعیت طبقه کارگر بعمل نمی آورند.

**مظفر محمدی:** شما گفتید که در قانون کار عراق بندهای خوبی وجود دارد، منظورتان چیست؟

**استاد حسین:** بلی میتوان روی بندهای از آن انگشت گذاشت. به عنوان مثال در بند ۷ و ۸ قانون کار، کارفرما ملزم است که امکانات بهداشتی و سلامتی کارگران را فراهم کند ولی مینباید که در هیچ پروژه و مرکز کارگری این بندها رعایت نمیشود. مسئله بهداشت و سلامت در محیط کار، پایبند بودن کارفرما در قبال شرایط کار و نحوه پاسخگویی کارفرما به کارگران، تمام این بندها میتواند مثبت باشد

هر چند که من و شما نسبت به این قانون کار ملاحظیات خودمان را داریم. ولی برای ما مهمتر از همه چیز این است که طبقه کارگر خود در تعیین دستمزد و وضعیت کاری خود تصمیم گیرنده باشد که چنین چیزی در قانون کار وجود ندارد. اما چیزهای دیگری نیز در این قانون کار است دال بر اینکه هر ۵۰ نفر کارگر میتواند یک نماینده داشته باشد. به ازای هر ۱۰۰ نفر کارگر میبایست یک دکتر روزانه به مدت ۲ ساعت در محل کار حضور داشته باشد، به ازای هر ۵۰۰ کارگر میبایست یک دکتر متخصص در آن مرکز حضور داشته باشد. در همین رابطه وقتی از کارفرمای یک مرکز کارگری که بالغ بر ۱۰۰ نفر یا بیشتر در آن کار میکنند، سوال میشود با وجود مطلع بودن از مفاد قانون کار در مورد سلامتی و تندرستی کارگران و تهیه مایحتاج اولیه کارگران، چرا نسبت به آن بی توجه هستید و اجراء نمیکنید؟ و در پاسخ با این جواب مواجه میشوید که وزارت کار چیزی

در این مورد به ما ابلاغ نکرده است.

**مظفر محمدی:** آیا این قوانین در دوره حکومت قبلی رعایت میشد؟

**استاد حسین:** بله، به نسبت الان خیلی بهتر بود و رعایت می شد. از جمله اگر کسی برای طرح شکایت به دادگاه مراجعه می کرد میتوانست به استناد قانون ۱۹۸۷ عراق حق و حقوق خود را مطالبه کند.

اما در این قانون کار مساله دستمزد و بیمه بیکاری و از این قبیل ناروشن است. دستمزد در بخشهای خصوصی و دولتی متغیر است. مثلاً میزان بیمه بیکاری و یا بازنشستگی معلوم نیست و یا متفاوت است و مبالغ مختلفی را در بر میگیرد. مثلاً از دویست و پنجاه هزار دینار تا یک میلیون متغیر است. مثلاً اعلام میکند که بیمه بیکاری نباید کمتر از یارانه های اجتماعی که ما به آن "گدایی" میگویم (صد و پنجاه هزار دینار) کمتر باشد. یا نباید از حقوق یک کارگر

کمتر باشد. مثلاً از دویست و پنجاه هزار دینار تا یک میلیون متغیر است. مثلاً اعلام میکند که بیمه بیکاری نباید کمتر از یارانه های اجتماعی که ما به آن "گدایی" میگویم (صد و پنجاه هزار دینار) کمتر باشد. یا نباید از حقوق یک کارگر

دولتی هم بیشتر باشد یعنی چیزی در حدود سیصد هزار دینار.

**مظفر محمدی:** آیا معلمین و کارمندان دولتی از بیمه و خدمات اجتماعی استفاده میکنند؟

**استاد حسین:** کارگرانی که در استخدام دولت میباشند از حقوق بازنشستگی بهره میبرند مانند کارگران نساجی و کارگران سیمان سازی بخش دولتی. اما در این دوره این هم حذف شده است.

**مظفر محمدی:** من سوال دیگری ندارم. اگر شما رفا سوالی دارید بپرسید.

**محمد راستی:** من هم چند سوال مطرح می کنم. استاد جان، شما به هیئت شش نفره اشاره کردید در ابتدای حرفهاتان که انتخاب شدند، سوال من این است که این شش نفر چگونه انتخاب شدند. آیا مجمع عمومی داشتید و نحوه آن چگونه بود؟

**استاد حسین:** پروسه ای که ما داشتیم این است که در ابتدا یک هیئت هفت نفره انتخاب گردید، سپس هیئت گنج کاران نیز انتخاب شدند و قدم به قدم جلو رفتیم. در این پروسه، کارگران در انتخاباتی که داشتیم به این هیئت ها رای دادند اما در دومین مجمع عمومی که حدود 30 نفر بودیم، کارگران دوباره به ما رای دادند و ما را انتخاب کردند

**محمد راستی:** سوال بعدی بر در مورد کارگران مهاجر است و همچنین کارگران بیکار. همانطور که خودتان آگاه هستید کارگران بیکار درون طبقه کارگر از جانب کارفرماها بعنوان ابزار فشار بر کارگران شاغل مورد استفاده قرار می گیرند. در این راستا شما اقداماتی انجام داده اید تا این تقابل ها و رقابتهای میان طبقه کارگر که تبدیل به دشمنی میگردد کاسته شود.

**استاد حسین:** در واقع ما بیشتر در سطح تبلیغی میتوانیم به این قضیه بپردازیم و آگاه گری کنیم. به عنوان نمونه، به پاتوق ها و قهوه خانه هایی که کارگران در آن جمع میشوند میرویم و در این زمینه بحث های را پیش میکشیم تا بتوانیم همگی در مورد آن به بحث و تبادل نظر بپردازیم و هر جای هم به کمک احتیاج داشته باشند به یاری آنها میرویم تا این فضای رقابت و دشمنی در هم شکسته شود.

در بحبوحه انتخابات حکومتی، زمانی که احزاب میخواستند رای مردم را کسب کنند، از طرف یکی از کسانی که در حزب (گوران) بود تبلیغاتی علیه کارگران مهاجر یا کارگران بیگانه راه انداخت که این کارگران به ما ضرر میرسانند و عامل فلاکت کارگران کردستان، کارگران بیگانه یا مهاجر هستند، که همان موقع من به عنوان یک فعال کارگری و قبل از تشکیل تشکل خودمان علیه آن گفتم و نوشتم و در شبکه های اجتماعی وسیعاً پخش گردید که تاثیر داشت.

## گفتگو با علی زیدونی در باره انجمن کارگران مهاجر در کردستان عراق

نقاش ساختمان، پیمانکار، باغبان، کارگر برق و تاسیسات، کارگر برق و غیره کار می کنند.

**محمد راستی:** ایجاد انجمن تا چه اندازه مورد توجه و حمایت کارگران مهاجر قرار گرفته و شیوه جذب اعضا چگونه هست؟

**علی زیدونی:** در ابتدا مورد استقبال کارگران مهاجر بویژه ایرانی قرار گرفت زیرا که تمامی کارگران نیاز به وجود یک انجمن و موسسه کارگری که بتواند به آنان حداقل سرویس حقوقی بدهد و آنان را زیر چتر حمایتی خود بگیرد بسیار امیدوار بودند. ولی متأسفانه به علت مشکلات درونی و دغدغه های حزبی و فرقه ای

اعضای انجمن و نیز مشکلات بیرونی، انجمن از مسیر اصلی خویش منحرف شده و کماکان تعداد اعضای انجمن ثابت مانده است که میباید ب فکر چاره ای بود و تنها چاره آن برگزاری انتخابات است. انتخابات به احتمال قوی میتواند انجمن را ارایش دموکراتیک کند و از حالت انحصاری خارج کند و حقیقتاً زمانی که انجمن اقدام عملی در جهت منافع طبقه کارگر بنماید مورد وثوق کارگران خواهد بود ولی در حال حاضر تا حدودی از اعتبار انجمن بعلت خنثی بودنش کاسته شده است. تا زمانیکه اعضای موسس انجمن و فعالین این عرصه به میان کارگران نروند و به مسایل ومشکلاتشان نرسند و آنها را

به دخالت و اتحاد و بکپارچگی برای دفاع از حقوقشان دعوت و تشویق و قانع نکنند، حرفی از جذب اعضا نیست. باید کارگران را متحد کرد. اصلاً انجمن بخاطر این تشکیل شد. این انجمن فعالیت سیاسی و حزبی ندارد. خواسته های کارگران مهاجر صنفی و از ابتدایی ترین خواستها هستند. تصورش را بکن چرا کارگر باید ۱۵ روز یک بار به کشورش برگردد و دوباره برای تجدید اقامتش به کردستان عراق بیاید و کلی وقت و پول صرف کند. چرا کارفرما نباید حقوق کامل کارگر را بدهد. چرا

دوستان میگفتند که ایشان از نزدیکان جلال طالبانی است و اگر حمایت کند کار تمام است. من مخالفت کردم و گفتم ما میخواهیم یک انجمن کارگری درست کنیم و بهتر است از همین اول کار دست بدامن کسی نشویم و راه طبیعی اش را برویم.

بعداً معلوم شد که طیف وابستگان به احزاب کورد میخواستند انجمن فقط ثبت شود و در حد یک اسم بماند و از آن طریق کمک مالی از حکومت اقلیم بگیرند و یک منبع مالی امرار معاش برای خود کسب کنند. ماشدیدا مخالفت کردیم و جلوش را گرفتیم.

در ادامه این وضعیت یک روز به من خبر دادند که یکی از اعضای موسس انجمن با حضور من در جلسه شان مخالفت کرده است و گفته که فلانی فارس است و کرد نیست و نباید در انجمن حضور داشته باشد. این در مورد یکی دو نفر دیگر بدلائل دیگر مطرح شد که خوشبختانه کنار گذاشته شد.

در تاریخ ۷ فوریه ۲۰۱۴ اولین جلسه اعضای بنیانگذار در محله قرگه سلیمانیه برگزار شد و چهار نفر بعنوان نماینده اعضا به اداره امور سازمانهای غیر دولتی معرفی شدند و در تاریخ ۷ آوریل ۲۰۱۴ مجوز انجمن صادر شد.

جالب است که تعدادی سعی کردند نام انجمن را، انجمن کارگران روز هلات (کردستان شرقی) بگذارند که پذیرفته نشد و همچنین پیش شرطی اعلام شد که کسانی حق دارند بعنوان نماینده جمع خود را کاندید کنند که یا شناسنامه عراقی داشته باشند و یا کارت اقامت. داشتن شناسنامه عراقی یکی از طنز های این انجمن هست.

**محمد راستی:** بنیانگذاران این انجمن در چه مراکز یا بخشهای کارگری کار میکنند؟

**علی زیدونی:** کارگران در بخشهای مختلف از قبیل کارگر فضای سبز، خانه دار، کارگر نقاش،

علی زیدونی از بنیانگذاران و فعال انجمن کارگران مهاجر در کردستان عراق است. او در گفتگوی کوتاهی به سوالات زیر در باره انجمن پاسخ داده است.

**محمد راستی:** انجمن کارگران مهاجر چگونه تشکیل شد؟

**علی زیدونی:** عده ای از کارگران مهاجر و پناهندگان ایرانی پس از گفتگوهای طولانی در حوالی بهمن ماه گذشته (بهمن ۹۲) تصمیم گرفتند که جهت پرداختن و تسهیل امور کارگران مهاجر با هر ملیتی و بویژه کارگران ایرانی اقدام به تاسیس انجمن کارگران مهاجر نمایند.

ایده اصلی ان از طرف یکی از کارگران مهاجر بود که او هم در اقلیم کردستان عراق مشغول به کار است و بصورت مداوم به ایران و عراق رفت و آمد میکند. البته بهمراه او تعدادی از کارگران پناهنده ایرانی وابسته به احزاب کرد هم بودند. اما کسی که بصورت جدی خواستار تشکیل این انجمن بود و بطور مستمر دنبال کار را میگرفت همان کارگر مهاجر بود که روابطی هم با سازمان غیر دولتی کارگران ساختمانی سلیمانیه عراق که بر قرار کرده بود و با طرح ایده انجمن مورد تشویق قرار گرفته بود.

متعاقباً چند کارگر ایرانی دیگر از جانب همان سازمان معرفی شد. این کارگران هم هر کدام تعدادی از احزاب متبوع خود را برای ایجاد انجمن کارگران مهاجر معرفی کردند

من در حوالی مرداد ماه با این کارگران آشنا شدم و در ملاقاتهایی مداوم در مورد تشکیل انجمن صحبت می شد. البته من بدلالی روابط کمتری با سایر اعضای بنیانگذار انجمن داشتم.

در یکی از جلسات انجمن بحث شد که چطور و از چه کتالی برای ثبت انجمن اقدام کنیم. همه صحبت کردند. تمام بحث افراد در این مورد بود که با یکی از شخصیتهای کرد ایرانی که در اتحادیه میهنی نفوذ دارد ارتباط بگیریم و او میتواند برای ثبت انجمن ما را کمک کند. این

### اتحادیه کارگران ساختمانی از تشکیل ...

در این سطح ما این فعالیتها را انجام داده ایم ولی نمیتوانیم کمپین یا هر چیزی در این سطح راه بندازیم. فعالیت ما از سطح آگاه گری و موضع گیری فراتر نرفته است.

**محمد راستی:** منظور من این است که عنوان مثال در یک محله کارگری یا محافل کارگری ویا هر جای که خودتان آن را تقسیم بندی کرده اید لیستی از کارگران تهیه گردد و مشخص کنید که فرضاً امروز این چند نفر میتوانند کار کنند و فردا جایشان با چند نفر دیگر که امروز بیکار هستند عوض میشود و اجازه ندهید که کارفرما خود این تصمیم را بگیرد. این را به عنوان یک

**محمد راستی:** کار کنتراکتی برای کارگران بخش ساختمان سازی بی نهایت مخرب است آیا شما برای این مشکل فکری کرده اید و یا میتوان جلو این کار را گرفت؟

**استاد حسین:** واقعیت این است که در همین زمینه بر اساس تجربیاتی که در این سالها کسب کرده ایم و مطالعه تجربیات امثال شما رفقا به میان بخشهایی از این دوستان کارگر رفته ایم. و از آنها درخواست کرده ام که به صورت نوبتی روزهای کاری را میان خود تقسیم کنند تا دچار رقابتهای کذایی و فرسایشی نشوند، ولی متأسفانه تا کنون به نتیجه ملموسی نریده ایم.

پایان



**گفتگو با علی زیدونی ...**

دوران حکومت بعث هست که همان هم در اقلیم کردستان اجرا نمیشود. البته قرار هست ظرف هفته اخیر قانون کار کردستان ابلاغ گردد ولی طبق اطلاعات واصله این قانون هم شامل کارگران خارجی نمیشود و فقط حالت توصیه خواهد داشت و ضمانت اجرایی نخواهد داشت. بنا به موارد بالا بارها اتفاق افتاده که کارفرمای کرد از پرداخت حقوق کارگر امتناع کند و یا بخش زیادی از حقوق کارگران را پرداخت نکرده است. رجوع به مراجع قضایی هم جز اتلاف وقت چیزی به کارگر نخواهد داد.

**محمد راستی:** دورنمای انجمن را چگونه میبینید؟

**علی زیدونی:** متأسفانه انجمن از مسیری که در ابتدا برای آن تعریف شده بود منحرف شده و الان افراد سعی دارند که منافع حزبی خود را در انجمن جستجو کنند و آن را به سمت سوی حزب خویش بکشانند و آن را با حزب اشتباه گرفته اند علت وجودی انجمن ابتدا به ساکن، حل مشکلات کارگران بود نه پایگاه عضو گیری احزاب. اما من متأسفانه به حیات اینچنینی انجمن خوشبین نیستم زیرا احساس میکنم که مریض شده و روز به روز نحیف شده و اگر اعضای فعلی آن در نوع نگرش خویش به کارکرد انجمن تغییری ندهند یا به چند پاره تقسیم خواهد شد یا خواهد مرد.

\* این گفتگو توسط محمد راستی در شهریور ۹۳ (سپتامبر ۲۰۱۴) در سلیمانیه کردستان عراق انجام شده گفتگو با علی زیدونی ست.

کارگر مهاجر و مجرد حق ندارد خانه کرایه کند. این ها کم ترین و ابتدایی ترین حقوق هر انسانی هستند. اگر کارگران زیادی متحد شوند این حقوق را می گیرند و تنها از این طریق انجمن کارگران مهاجر یک چتر حمایتی برای کارگران خواهد بود که زیر آن بایستند. اگر انجمن نرود سراغ کارگران و برای این خواستها متحدشان کند، چرا باید کارگر بیاید و عضو شود.

**محمد راستی:** کارگران مهاجر از کشورهای مختلف در کردستان عراق مشغول کار هستند تمرکز انجمن در میان کدام یک از بخشهای کارگران میباید؟

**علی زیدونی:** کارگرانی از هند، ترکیه، مناطق عربی عراق، نیپال، مصری و بویژه ایرانی در اقلیم کردستان حضور دارند و طبیعی است به علت اینکه تمامی بنیانگذاران انجمن ایرانی هستند بیشترین تمرکز بر روی کارگران ایرانی باشد ولی انجمن دارای روابطی با کارگران هندی نیز میباشد لازم به توضیح هست که اکثر کارگران ایرانی در بخش ساختمان مشغول به کارند.

**محمد راستی:** کارگران مهاجر سیالند می آیند و میروند. مهم ترین و ضروری ترین خواست کارگران مهاجر در کردستان عراق کدام هست؟

**علی زیدونی:** مهمترین خواست و مشکلات کارگران عبارتند از:

اقامت

مساله دستمزد و عدم پرداخت آن از سوی کارفرما

مسکن

در مورد اقامت، تا ۲ هفته قبل از این تاریخ روال بر این بود که اتباع ایرانی حق داشتند بوسیله پاسپورت ۱۵ روز در اقلیم کردستان بمانند و دوباره خاک عراق را ترک کنند و برگردند خاک عراق که معمولا در یک روز صورت میگرفت ولی مستلزم این بود که کارگر یک روز کاری را از دست میداد و عوارضی هم به حکومت ایران میپرداخت ولی اخیرا پلیس مهاجرت کردستان با رصد پاسپورت، چنانچه فرد مکررا وارد خاک عراق شده باشد برگه ای به وی میدهند ۶ روزه که شخص میبایست طی حداکثر ۶ روز اقامت قانونی خود را اخذ کند و در غیر اینصورت باید برگردد و دیگر حق مسافرت به عراق را ندارد.

در مورد دستمزد باید گفت که در اقلیم کردستان هیچ قانون روشنی در مورد کارگران و قانون کار وجود ندارد و فقط قانون ۱۹۸۷ مصوبه

- دقیقا در اثنای تشکیل انجمن کارگران مهاجر، حکومت اقلیم کردستان در شهر سلیمانیه اقدام به سازمان کارگران خارجی کرد که اکثر افراد آن اشخاص انتصابی از سوی حکومت را دارند و تقریبا مشابه همان خانه کارگر جمهوری اسلامی هست.

- انجمن مورد توجه سازمان غیردولتی کارگران ساختمانی شهر سلیمانیه واقع شد و با گشاده رویی به استقبال انجمن آمدند و بصورت مشترک روز قربانیان محیط کار و روز جهانی کارگر در شهر سلیمانیه برگزار شد. همچنین از چند روز قبل از اول می ۲۰۱۴ یک هیات ۳ نفره از سوی انجمن به همراه هیات کارگران ساختمانی سلیمانیه از کارگاهها و مراکز کارگری و شهرکهای صنعتی بازدید کرد و با کارگران خارجی بویژه ایرانی ارتباط برقرار کرد.

- سندیکای دولتی شهر سلیمانیه نیز خواستار ارتباط با انجمن و همکاری مشروط شده است. مشروط به اینکه انجمن ما ارتباط و همکاری را با سازمان غیردولتی کارگران ساختمانی سلیمانیه کاهش دهد!

- در یک سال گذشته هم احزاب اپوزیسیون مقیم منطقه سعی کرده اند در مورد انجمن

## تماس با حزب حکمتیست

دبیرخانه حزب، شیوا امید

[hekmatistparty@gmail.com](mailto:hekmatistparty@gmail.com)

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

[shahabi.soraya@gmail.com](mailto:shahabi.soraya@gmail.com)

دبیر کمیته تبلیغات: امان کفا

[aman.kafa@gmail.com](mailto:aman.kafa@gmail.com)

دفتر کردستان حزب: محمد فتاحی

[m.fatahi@gmail.com](mailto:m.fatahi@gmail.com)

تشکیلات خارج کشور: خالد حاج محمدی

[khaled.hajim@gmail.com](mailto:khaled.hajim@gmail.com)

زنده باد انقلاب کارگری